

## **Analysis of Executive Barriers to Iran's Industrial Development Documents Using Interpretive Structural Modeling**

**Hamzehpoor, Mahdi<sup>1</sup>, Taghimolaie, Muhammad<sup>2</sup> Mortazavi, Seyed Abolfazl<sup>3\*</sup>**

1- Associate Professor, Department of Decision Sciences and Complex Systems, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

2- Master of Industrial Management, Imam Sadiq University

3- Master of Industrial Management, Imam Sadiq University

### **Abstract:**

Despite emphasis in numerous upstream documents, a significant gap exists between the predicted goals and the actual performance of Iran's industrial sector (with an average growth rate of 1.5% in the 2010s). This research aimed to systematically analyze the executive barriers of Iran's industrial development documents and explain the hierarchical and causal relationships between them. This applied research utilized a mixed-methods (qualitative-quantitative) approach. In the first step, employing thematic analysis and the study of documents and semi-structured interviews with 8 experts, the main barriers were identified. In the second step, the Interpretive Structural Modeling (ISM) method and MICMAC analysis were used, and the necessary data were collected and analyzed through a pairwise comparison questionnaire completed by 15 experts. Based on the findings, 6 main barriers were identified. ISM and MICMAC analyses revealed that the barrier "Lack of positive interaction between policymakers and stakeholders" was the most influential factor on the entire system, acting as an independent and fundamental variable. This barrier was placed at the most foundational level of the model. In contrast, barriers such as "Lack of consensus on the vision" and "Unclear leading institution" were identified as dependent and high-level variables. The overall conclusion indicates that the main problem is not the content of the documents, but rather a weakness in the "governance" and "institutional context" of their implementation.

**Keywords:** Industrial Development, Industrial Policy, Interpretive Structural Modeling

DOI: 10.22034/jmi.2026.546250.3241

1. ✉ Corresponding author: mOhammadtghm@gmail.com

2. [m.hamzehpoor@isu.ac.ir](mailto:m.hamzehpoor@isu.ac.ir)

3. [s.a.mortazavi80@gmail.com](mailto:s.a.mortazavi80@gmail.com)



# تبیین و تحلیل نظام‌یافته‌ی موانع اجرایی‌سازی اسناد توسعه صنعتی ایران (رویکرد مدل‌سازی نرم)

دوره ۲۰ شماره ۱ (پیاپی ۷)  
بهار ۱۴۰۵

نوع مقاله: پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۱) صفحات ۸۸ تا ۱۲۴

دانشیار گروه علوم تصمیم، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.  
کارشناسی ارشد، مدیریت صنعتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.  
سیدابوالفضل مرتضوی<sup>✉</sup> کارشناسی ارشد، مدیریت صنعتی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

مهدی حمزه پور<sup>۱</sup>  
محمد تقی ملائی

## چکیده

علی‌رغم تأکید اسناد بالادستی متعدد، شکاف معناداری بین اهداف پیش‌بینی شده و عملکرد واقعی بخش صنعت ایران (با نرخ رشد متوسط ۱.۵٪ در دهه ۱۳۹۰) وجود دارد. این پژوهش با هدف تحلیل نظام‌مند موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی ایران و تبیین روابط سلسله‌مراتبی و علی‌بین آن‌ها انجام شده است. این تحقیق از نوع کاربردی و با رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) انجام شده است. در گام اول، با به‌کارگیری روش تحلیل مضمون و مطالعه اسناد و مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۸ خبره، موانع اصلی شناسایی شد. در گام دوم، از روش مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM) و تحلیل MICMAC استفاده گردید و داده‌های لازم از پرسشنامه مقایسه زوجی توسط ۱۵ خبره جمع‌آوری و تحلیل شد. بر اساس یافته‌ها، ۶ مانع اصلی شناسایی شد. تحلیل‌های ISM و MICMAC نشان داد که مانع «عدم تعامل مثبت سیاست‌گذاران و ذینفعان» به عنوان یک متغیر مستقل و پایه‌ای، تأثیرگذارترین عامل بر کل سیستم است. این مانع در پایه‌ترین سطح مدل قرار گرفت. در مقابل، موانعی مانند «عدم اجماع در چشم‌انداز» و «مشخص نبودن نهاد متولی» به عنوان متغیرهای وابسته و سطح بالا شناسایی شدند. نتیجه‌گیری کلی حاکی از آن است که مسئله اصلی، محتوای اسناد نیست، بلکه ضعف در «حکمرانی» و «بستر نهادی» اجرای آن‌هاست. حل سایر موانع بدون توجه و رفع این مانع کلیدی و ریشه‌ای (عدم تعامل مثبت سیاست‌گذاران و ذینفعان)، دشوار یا غیرممکن خواهد بود. این مطالعه پیشنهاد می‌کند تمرکز اصلی سیاست‌گذاران باید بر ایجاد سازوکارهای نهادی دائمی برای بهبود تعامل، اعتمادسازی و مشارکت فعال تمام ذینفعان قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** توسعه صنعتی، سیاست صنعتی، مدلسازی ساختاری تفسیری، اسناد توسعه، صنایع ایران، استراتژی صنعتی.

۱. مسئول مکاتبات: m0hammadtghm@gmail.com

۲. [m.hamzehpoor@isu.ac.ir](mailto:m.hamzehpoor@isu.ac.ir)

۳. [s.a.mortazavi80@gmail.com](mailto:s.a.mortazavi80@gmail.com)

## ۱- مقدمه

صنعت به عنوان محور اصلی توسعه اقتصادی، همواره جایگاهی ویژه در برنامه‌ریزی‌های کلان کشورها داشته است. در ایران نیز، با وجود تأکید اسناد بالادستی متعدد از جمله سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴، قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت، دستیابی به اهداف تعیین‌شده با چالش‌های جدی مواجه بوده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که نرخ رشد ارزش افزوده بخش صنعت در دهه ۱۳۹۰ به طور متوسط حدود ۱.۵ درصد بوده که فاصله معناداری با نرخ رشد ۸ درصدی پیش‌بینی شده در اسناد توسعه دارد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). این شکاف عملکردی، ضرورت واکاوی عمیق‌تر موانع تحقق سیاست‌های صنعتی را نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن جایگاه حیاتی صنعت در پیشبرد توسعه اقتصادی و هم‌گام‌سازی با پدیده جهانی شدن، ضرورت دارد صنایع داخلی تعهدات لازم را جهت انطباق با الزامات جهانی کنونی بپذیرند. یکی از برجسته‌ترین تحولات در فضای کسب‌وکار قرن بیست‌ویکم، بین‌المللی‌شدن فرآیندهای تولید و صنعت است (فارس‌سیجانی، حسن و فلاح‌حسینی، علی ۱۳۹۱). پیشرفت و گسترش صنایع بدون برنامه‌ریزی و اجرای استراتژی‌های مناسب ممکن نیست. یکی از کلیدی‌ترین راهبردهای توسعه، به‌ویژه برای صنایع کوچک و متوسط، تمرکز بر تجمع جغرافیایی واحدهای تولیدی و ایجاد خوشه‌های صنعتی است (عالم تبریز و همکاران، ۱۳۹۲). سیاست‌گذاری صنعتی در ایران سابقه چند دهه‌ای دارد. از نخستین برنامه‌های توسعه پس از انقلاب تاکنون، اسناد متعددی در این حوزه تدوین شده است. بررسی تطبیقی این اسناد نشان می‌دهد که علی‌رغم تغییرات در دولت‌های مختلف، برخی چالش‌ها به صورت پایدار باقی مانده‌اند. مطالعات انجام شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که مهم‌ترین این چالش‌ها شامل ناهماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، عدم ثبات در سیاست‌ها، ضعف در نظام نظارت و ارزیابی، و محدودیت‌های مالی بوده‌اند. این در حالی است که تجربیات بین‌المللی موفق در کشورهایی مانند کره جنوبی و چین نشان می‌دهد که ثبات در سیاست‌گذاری و هماهنگی نهادی از ارکان اصلی موفقیت در سیاست‌گذاری صنعتی بوده‌اند (OECD, 2020).

حجم زیاد اسناد در حالی است که بسیاری از آن‌ها یا به مرحله اجرا نرسیده‌اند یا اجرای آن‌ها با مشکلات متعددی مواجه بوده است. پژوهش جعفری و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که تنها ۳۵ درصد از اقدامات پیش‌بینی شده در اسناد سیاست صنعتی در دوره ۱۳۹۰-۱۴۰۰ محقق شده است. در سطح بین‌المللی، ادبیات گسترده‌ای درباره ارزیابی سیاست‌های صنعتی شکل گرفته است. رویکردهای جدید در این حوزه بر اهمیت تحلیل نظام‌مند موانع اجرایی تأکید دارند. به عنوان مثال، مطالعات بانک جهانی (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که موفقیت سیاست‌های صنعتی در کشورهای در حال توسعه بیش از آنکه به محتوای سیاست‌ها وابسته باشد، به کیفیت اجرا و بسترهای نهادی آن مرتبط

است. در این میان، تحلیل روابط علی و سلسله‌مراتبی بین موانع مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا اولویت‌های مداخله را به درستی شناسایی کنند. در ادبیات داخلی، اگرچه مطالعات متعددی به بررسی سیاست‌های صنعتی پرداخته‌اند، اما اغلب این پژوهش‌ها یا به توصیف اسناد پرداخته‌اند یا موانع را به صورت مجزا و بدون توجه به روابط سیستماتیک بین آن‌ها تحلیل کرده‌اند. برای مثال، مطالعه مجیدپور و نامداریان (۱۳۹۴) شناسایی موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری کشور پرداخته است، اما تحلیل چندانی از روابط علی بین این موانع ارائه نکرده است. این در حالی است که تجربه عملی نشان می‌دهد بسیاری از موانع اجرایی در حوزه صنعت به صورت زنجیره‌ای به یکدیگر مرتبط هستند و حل آن‌ها نیازمند درک این روابط پیچیده است. از دوران پهلوی اول، رویکرد جایگزینی واردات به عنوان محور اصلی سیاست‌های صنعتی در ایران مطرح شد. با این حال، به استثنای دوره کوتاهی در دهه ۱۳۴۰، این سیاست‌ها نتوانستند به نتایج قابل توجهی دست یابند. از دهه ۱۳۸۰، تدوین اسناد ویژه توسعه صنعتی در دستور کار قرار گرفت. تا سال ۱۴۰۰، چندین سند در این زمینه تصویب شد، اما علی‌رغم تفاوت‌های ساختاری میان آن‌ها، تأثیر محسوسی بر پیشرفت صنعتی کشور مشاهده نشده است (فرناش، کیارش، ۱۴۰۰).

این پژوهش با هدف انجام تحلیلی نظام‌مند از موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی ایران طراحی شده است. در این مسیر، سه پرسش اساسی راهنمای تحقیق هستند: مهم‌ترین موانع اجرایی این اسناد کدامند؟ این موانع چه روابط ساختاری با یکدیگر دارند و چگونه می‌توان آنها را در قالب یک سیستم به هم پیوسته تحلیل کرد؟ و بر اساس این تحلیل، اولویت‌های مداخله برای بهبود اجرای سیاست‌های صنعتی چگونه تعیین می‌شوند؟

نوآوری پژوهش حاضر چندبعدی است. در حالی که اغلب مطالعات پیشین بر یک سند خاص متمرکز بوده‌اند، این تحقیق با نگاهی کل‌نگر، مجموعه اسناد سیاست صنعتی را در یک بازه زمانی بلندمدت بررسی می‌کند. همچنین، در مقابل رویکردهای جزئی‌نگر رایج، این مطالعه با اتخاذ یک چارچوب سیستماتیک، به واکاوی روابط علی و سلسله‌مراتبی بین موانع می‌پردازد. در نهایت، یافته‌های این تحقیق ظرفیت آن را دارد که مبنایی علمی برای اصلاح فرآیندهای سیاست‌گذاری و حکمرانی صنعتی در کشور فراهم نماید.

دستیابی به چنین هدفی، مخاطبان متنوعی را ذی‌نفع می‌سازد. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه صنعت می‌توانند از یافته‌ها برای طراحی و اجرای سیاست‌های واقع‌بینانه‌تر و اثربخش‌تر بهره‌گیرند. پژوهشگران این عرصه نیز می‌توانند چارچوب نظری و روش‌شناختی ارائه‌شده را بسط داده و به عنوان اساسی برای مطالعات آینده قرار دهند. افزون بر این، فعالان بخش خصوصی با درک عمیق‌تر از ساختار موانع اجرایی، خواهند توانست راهبردهای کسب‌وکار خود را با ملاحظات سیاستی کلان کشور بهتر هماهنگ سازند. ساختار این مقاله به منظور پوشش نظام‌مند این اهداف تنظیم شده است. پس از این مقدمه، بخش دوم به مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش اختصاص دارد. در بخش سوم، روش‌شناسی

ترکیبی تحقیق تشریح می‌گردد. بخش چهارم به ارائه و توصیف یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازد و سرانجام، بخش پنجم با بحث، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی و پژوهشی به کار خود پایان می‌دهد.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱) مفهوم و مبانی مرتبط با توسعه صنعتی

تعاریف متعددی در مورد سیاست صنعتی وجود دارد اما به طور کلی سیاست صنعتی را می‌توان به طور وسیع به عنوان هر نوع مداخله دولت یا مجموعه‌ای از مداخلات تعریف کرد که هدف آن تشویق یا مدیریت تغییرات ساختاری در اقتصاد است (Curzon Price, 1981). همچنین سیاست صنعتی شامل طیف وسیعی از اقدامات و برنامه‌های خرد است که با هدف ارتقاء عملکرد بازار از طریق روش‌های گوناگون و گاه متضاد طراحی و اجرا می‌شوند (Geroski, 1989). به عبارت دیگر سیاست صنعتی به مفهوم ایجاد و هماهنگ‌سازی برنامه‌های دولتی با هدف ارتقای رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و رقابت‌پذیری در سطح کل اقتصاد و برخی صنایع خاص است (Johnson, 1984). دنی رودریک سیاست صنعتی را به عنوان نوعی سیاست بازسازی تعریف می‌کند که هدف آن، تجدید ساختار فعالیت‌هایی است که دارای پویایی بالاتری هستند. این سیاست‌ها معمولاً برای اصلاح و بهبود بخش‌هایی به کار می‌روند که ممکن است در صنایع کارخانه‌ای یا سایر حوزه‌ها قرار داشته باشند، بدون توجه به نوع فعالیت (محسن محمدی ایوانکی و علی ابراهیمی، ۱۴۰۲).

واژه «توسعه» به معنای رشد تدریجی است که بر پایه پیشرفت، افزایش توانمندی‌ها و گسترش ظرفیت‌ها شکل می‌گیرد. مطالعات توسعه پس از جنگ جهانی دوم در سطح جهانی شکل گرفت و تکامل یافت، با هدف اصلی یافتن راهکارهایی برای بهبود وضعیت کشورهای کمتر توسعه‌یافته، که به‌عنوان جهان سوم شناخته می‌شوند، تا بتوانند به سطح کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته نزدیک شوند (شهرکی، علیرضا، ۱۳۹۳). (طلایی، عالم تبریز، و فارسیجانی، ۲۰۱۷). به طور کلی، توسعه نیازمند تغییرات اساسی در ساختارهای نهادی، اجتماعی و اداری و همچنین تحول در نگرش‌ها و چارچوب‌های فکری است (مظلومی، بیگی، و آقامیری، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، تاریخچه صنعتی شدن جهان، از آغاز انقلاب صنعتی در اروپا تا ورود به دوره فراصنعتی و عصر اطلاعات، روندهای متنوعی را در مسیر پیشرفت نشان می‌دهد. با این وجود، موفقیت‌های اخیر برخی کشورهای آسیایی در فرآیند صنعتی‌شدن، اهمیت جستجوی مستمر برای راهکارهای بومی و متناسب با شرایط هر کشور را برجسته ساخته است (مرادپور، مدهوشی، صفائی قادیکلایی، و یحیی زاده فر، ۲۰۲۲). همچنین، استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) در تحلیل

و تبیین عوامل توسعه صنعتی در ایران، امکان شناخت دقیق‌تر روابط پیچیده بین مولفه‌ها را فراهم کرده است (حسینی و کلانتری، ۲۰۲۳).

صنعت به مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی اطلاق می‌شود که با تولید ماشین‌آلات و تجهیزات لازم، زیرساخت‌های فنی مورد نیاز سایر بخش‌های تولیدی مانند کشاورزی، معدن و ساختمان، و همچنین بخش‌های خدماتی مانند حمل‌ونقل، بهداشت و ارتباطات را تأمین می‌کند. به دلیل این نقش کلیدی، صنعت به عنوان نیروی محرکه اصلی توسعه اقتصادی شناخته می‌شود. با این حال، توسعه صنعتی تنها به افزایش کمی تعداد واحدهای صنعتی یا مالکیت ابزار تولید محدود نمی‌شود؛ بلکه فرآیندی است که نیازمند تغییرات ساختاری و نظام‌مند در سه سطح کلان می‌باشد (شفیع آبادی، عبدالله ۱۳۹۰).

## ۲-۲) پیشینه پژوهش

مطالعه‌ای توسط رادمنش و نائینی (۲۰۲۳) با استفاده از روش AHP به بررسی موانع صادرات صنعت دارویی ایران پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که عوامل خارجی مانند موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، نوسانات نرخ ارز، رقابت در بازارهای بین‌المللی، سیاست‌های دولتی، مقررات تجارت خارجی و استانداردهای محصول، از مهم‌ترین موانع ورود شرکت‌ها به بازارهای خارجی محسوب می‌شوند. با این حال، این پژوهش عمدتاً بر صنایع پزشکی تمرکز دارد و دیدگاهی جامع نسبت به کل صنایع ارائه نمی‌دهد (Radmanesh & Naeini, 2023). در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، پژوهشی توسط خلیلی نصر و همکاران (۲۰۲۰) نشان داده است که تأثیرگذاری دینفعان در توسعه انرژی‌های بادی و خورشیدی متفاوت است؛ به طوری که وزارت نیرو بیشترین نقش را ایفا می‌کند و پس از آن سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌ور، مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه و بودجه و بانک‌ها قرار دارند. تولیدکنندگان برق تجدیدپذیر و مردم محلی به ترتیب در رتبه‌های بعدی تأثیرگذاری قرار دارند. این مطالعه به طور خاص به حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر پرداخته و به توسعه صنعتی به شکل کلی نپرداخته است. (Khalili Nasr et al., 2020). گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۰) به آسیب‌شناسی استراتژی توسعه صنعتی ایران پرداخته و بیان می‌کند که طی دو دهه، سه مطالعه برای تدوین استراتژی توسعه صنعتی انجام شده اما هیچ‌کدام به مرحله اجرا نرسیده‌اند. مشکلات اصلی شامل ضعف در مبانی تحلیلی، عدم تعیین اهداف روشن، تحلیل ناکافی وضعیت موجود، فقدان توالی اقدامات عملی و بی‌توجهی به تحول فناوری بوده است. همچنین، شوک‌های اقتصادی و سیاسی، تغییرات مدیریتی مکرر و فرهنگ برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، مانع اجرای موفق این استراتژی‌ها شده‌اند. برای بهبود وضعیت، پیشنهاد شده است که تدوین استراتژی توسط نهاد فراهنگی انجام شود و با مشارکت گسترده بازیگران ملی، اولویت‌ها تعیین و هماهنگی ایجاد گردد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰). فراتش (۱۴۰۰) با تحلیل تاریخی اسناد سیاست توسعه صنعتی ایران، چالش‌ها و الزامات پیش‌رو را شناسایی کرده است. وی تأکید می‌کند که موفقیت در توسعه صنعتی مستلزم تقویت توانمندی‌های فناورانه، هماهنگی سیاست‌ها، حمایت مبتنی بر شایستگی، اولویت‌بندی بخش‌های مستعد و ارتقای رقابت‌پذیری بین‌المللی است. همچنین،

وجود نهادی فراتر از وزارتخانه‌های فعلی برای هماهنگی و ارزیابی مستمر سیاست‌ها ضروری است (فرتاش، ۱۴۰۰). جمال‌زاده (۱۳۸۵) در ارزیابی استراتژی توسعه صنعتی در قالب سند چشم‌انداز بیست‌ساله، به بررسی مفاهیم پایه‌ای فناوری و شیوه‌های انتقال آن پرداخته است. تحلیل نظرات کارشناسان نشان می‌دهد که طرح استراتژیک موجود به دلیل تمرکز صرف بر رویکردهای اقتصادی و کم‌توجهی به مدیریت فناوری و آینده‌پژوهی، برای دستیابی به اهداف فناورانه پیشرفته کافی نیست. با این حال، این طرح دارای ظرفیت‌های قابل توجهی است و موفقیت آن به مشارکت فعال متخصصان در حوزه مدیریت فناوری وابسته است (جمال‌زاده، ۱۳۸۵). مجیدپور و نامداریان (۱۳۹۴) به بررسی موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری در ایران پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که اجرای ناقص این سیاست‌ها یکی از چالش‌های اصلی کشور است. برای موفقیت در اجرای این اسناد، علاوه بر توجه به اسناد بالادستی و دیدگاه سیاستگذاران، لازم است مشارکت ذینفعان، هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد. همچنین بازنگری و اصلاح سازوکارهای اجرایی و استفاده از روش‌های علمی و تحلیلی نوین می‌تواند اثربخشی اجرای سیاست‌ها را افزایش دهد (مجیدپور و نامداریان، ۱۳۹۴). پژوهشی با عنوان شناسایی و دسته‌بندی آسیب‌های سیاست‌گذاری توسعه صنعتی در ایران، به شناسایی چالش‌های اصلی سیاست‌گذاری توسعه صنعتی در ایران پرداخته و نشان داده است که مشکلاتی در تعیین اهداف، فرآیند تدوین و اجرا، نقش بازیگران و عوامل سیاسی و مدیریتی وجود دارد. رفع این موانع می‌تواند به بهبود سیاست‌های توسعه صنعتی کمک کند و این مطالعه می‌تواند به عنوان مرجعی مهم در زمینه سیاست‌گذاری صنعتی مورد استفاده قرار گیرد (کمالی یحیی و همکاران، ۱۴۰۱).

جدول ۱: پژوهش‌های مرتبط با اسناد توسعه صنعتی

ردیف	عنوان	نویسنده	سال نشر	یافته‌ها و نقد و بررسی
۱	Investigating and Ranking of Barriers Affecting Development of Pharmaceutical Industry Exports in Iran: AHP Method	Radmanesh and Naeini	۲۰۲۳	بر اساس این پژوهش برای بسیاری از شرکت‌ها، مهم‌ترین عوامل خارجی که مانع ورود به بازارهای بین‌المللی می‌شوند شامل موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، نرخ ارز خارجی، نوسانات، رقابت در بازارهای خارجی، سیاست‌های دولت، رویه‌های تجارت خارجی و استانداردهای مختلف محصول و مصرف است. باید گفت این مقاله بیشتر به صنایع پزشکی پرداخته و یک نگاه کل‌نگر نسبت به همه‌ی صنایع را ندارد.
۲	Assessment of Barriers to Renewable	Arash Khalili Nasr,	۲۰۲۰	بر اساس این پژوهش، تأثیرات ذینفعان در هر دو صنعت انرژی بادی و خورشیدی متفاوت است. وزارت نیرو بیشترین تأثیر را دارد و پس از آن سازمان

ردیف	عنوان	نویسنده	سال نشر	یافته‌ها و نقد و بررسی
	Energy Development Using Stakeholders Approach	Maryam Kafizadeh Kashan, A. Maleki, N. Jafari, H. Hashemi		انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌ور، مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه و بودجه و بانک‌ها قرار دارند. تولیدکنندگان برق تجدیدپذیر با فاصله زیاد در رتبه سوم تأثیر قرار دارند و پس از آن مردم محلی کمترین تأثیر را دارند. این مقاله، به انرژی‌های تجدیدپذیر پرداخته و بحث توسعه صنعتی به طور عام هنوز جای کار دارد.
۳	آسیب‌شناسی استراتژی توسعه صنعتی در ایران ۲. تحلیل و ارزیابی اسناد استراتژی توسعه صنعتی	مرکز پژوهش‌های مجلس	۱۴۰۰	در این گزارش، با اشاره ضعف در تدوین اسناد، بیان می‌شود که طی دو دهه، سه مطالعه برای استراتژی توسعه صنعتی ایران انجام شد (۱۳۸۲، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴)، اما هیچکدام اجرایی نشدند. مشکلات اصلی شامل ضعف مبانی تحلیلی، عدم شناسایی اهداف مشخص، و تحلیل ناکافی وضع موجود بود. مطالعات فاقد توالی اقدامات عملی، تحلیل اقتصاد سیاسی، و توجه به تحول فناوری بودند. رویکرد نئوکلاسیک مطالعه ۱۳۸۲ نقش دولت را به حداقل رساند، در حالی که مطالعات بعدی اولویت‌بندی صنایع را بدون پشتوانه تحلیلی انجام دادند. شوک‌های اقتصادی (نوسانات نفتی)، سیاسی (تحریم‌ها، تغییر دولت‌ها)، و مدیریتی (تغییرات مکرر مدیران)، همراه با فرهنگ برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و فقدان آمار دقیق، اجرای استراتژی را مختل کردند. این پژوهش برای بهبود اوضاع، پیشنهاد می‌کند که اقداماتی مانند: تدوین استراتژی توسط نهاد فرابخشی (سازمان برنامه)، پرهیز از برون‌سپاری، تحلیل دقیق شرایط موجود، و تعیین اولویت‌ها با مشارکت بازیگران ملی برای ایجاد هماهنگی و الزام‌آوری انجام شود.
۴	تحلیلی تاریخی بر اسناد سیاست توسعه صنعتی در ایران و ارائه الزامات سیاستی در سال‌های پیش‌رو	کیارش فرتاش	۱۴۰۰	این مقاله با تحلیل پیشینه و اسناد سیاست توسعه صنعتی ایران و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه و مطالعه اسناد، چالش‌ها و الزامات توسعه صنعتی را بررسی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که برای موفقیت در توسعه صنعتی، باید بر تقویت توانمندی فناوریانه، هماهنگی سیاست‌ها، حمایت مبتنی بر شایستگی، اولویت‌بندی بخش‌های مستعد و افزایش رقابت‌پذیری

ردیف	عنوان	نویسنده	سال نشر	یافته‌ها و نقد و بررسی
				بین‌المللی تمرکز شود. همچنین، وجود نهادی فراتر از وزارتخانه‌های موجود برای هماهنگی و ارزیابی مستمر سیاست‌ها ضروری است.
۵	ارزیابی استراتژی توسعه صنعتی در قالب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (با تأکید بر دستیابی به فناوری پیشرفته)	میثم جمال‌زاده	۱۳۸۵	این پژوهش ابتدا مفاهیم پایه‌ای فناوری و شیوه‌های انتقال آن را بررسی کرده و سپس بر تدوین یک طرح استراتژیک توسعه صنعتی با تأکید بر مؤلفه‌های فناورانه تمرکز دارد. تحلیل نظرات متخصصان نشان می‌دهد که این طرح برای تحقق اهداف فناورانه پیشرفته در افق بیست‌ساله، به دلیل تکیه صرف بر رویکرد اقتصادی و بی‌توجهی به مدیریت و آینده‌پژوهی فناوری، اثربخشی کافی ندارد. با این حال، طرح مذکور از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است و موفقیت آن به مشارکت فعال متخصصان حوزه مدیریت و آینده‌نگاری فناوری وابسته است.
۶	شناسایی موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری کشور	مهدی مجیدپور و لیلا نامداریان	۱۳۹۴	این مقاله به بررسی موانع موجود در مسیر اجرای سیاست‌های علم و فناوری در ایران می‌پردازد و نشان می‌دهد که اجرای ناقص این سیاست‌ها یکی از چالش‌های اصلی کشور است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که برای تحقق موفقیت در اجرای اسناد سیاستی مرتبط با علم و فناوری، لازم است علاوه بر در نظر گرفتن اسناد بالادستی و دیدگاه‌های سیاست‌گذاران، مشارکت فعال ذینفعان، ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و استفاده از تجربیات سایر کشورها مورد توجه قرار گیرد. به‌علاوه، بازنگری و اصلاح سازوکارهای اجرایی و بهره‌گیری از روش‌های علمی و تحلیلی نوین می‌تواند به بهبود کارآمدی اجرای این اسناد کمک کند.
۷	نقش کانون‌های تفکر در سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری در ایران: مطالعه موردی چندگانه	بوشهری، علیرضا و همکاران	۱۴۰۴	مقاله بوشهری و همکاران (۱۴۰۴) با شناسایی ۱۴ نقش متمایز برای کانون‌های تفکر، تصویر جامعی از ظرفیت‌های بالقوه این نهادها در بهبود فرآیند سیاست‌گذاری ارائه می‌دهد. با این حال، تمرکز صرف بر «کارکردهای ایده‌آل» و عدم واکاوی «موانع ساختاری» در اثرگذاری این کانون‌ها - از جمله همان

ردیف	عنوان	نویسنده	سال نشر	یافته‌ها و نقد و بررسی
				«عدم تعامل مثبت» که در پژوهش حاضر شناسایی شد - از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود. این مقاله اگرچه نقش‌آفرینی کانون‌های تفکر را به خوبی ترسیم می‌کند، اما به این پرسش کلیدی پاسخ نمی‌دهد که چرا با وجود چنین ظرفیت‌هایی در سیستم، خروجی سیاست‌ها در عمل با شکست مواجه می‌شود. بنابراین، یافته‌های آن در واقع «علل بالقوه حل مسئله» را نشان می‌دهد، در حالی که پژوهش حاضر به «علل تداوم مسئله» می‌پردازد.
۸	پیشنهاد سیاست‌های کلی انرژی در حوزه صنعت و فناوری	حیرانی، حسین و همکاران	۱۴۰۴	مطالعه حیرانی و همکاران (۱۴۰۴) با ارائه چارچوبی نظام‌مند مبتنی بر تفکیک سیاست‌های مأموریت‌گرا و اشاعه‌گرا، گام مهمی در جهت تدوین سیاست‌های یکپارچه انرژی برداشته است. با این حال، این پژوهش عمدتاً بر «طراحی مطلوب» سیاست‌ها متمرکز شده و از تحلیل «موانع اجرایی» موجود در بستر نهادی ایران غافل مانده است. به‌ویژه، این مقاله پاسخ نمی‌دهد که چگونه می‌توان بر چالش «عدم تعامل مثبت سیاست‌گذاران و ذینفعان» - که در پژوهش حاضر به عنوان مانع ریشه‌ای شناسایی شد - فائق آمد تا سیاست‌های پیشنهادی در عمل نیز قابلیت اجرایی یابند. بنابراین، یافته‌های این مقاله در سطح «آنچه باید باشد» باقی می‌ماند، در حالی که پژوهش حاضر به «چرایی عدم تحقق آنچه باید باشد» می‌پردازد.
۹	حلقه مفقوده سیاست‌گذاری صنعتی در صنعت خودروسازی ایران: تاملی دوباره در خصوص مشکلات خودروسازی	فرتوک زاده، حمیدرضا و طهماسبی، سیامک	۱۳۹۹	مقاله فرتوک زاده و طهماسبی (۱۳۹۹) با اتخاذ نگاهی چندذینفعی به صنعت خودروسازی، به درستی بر پیچیدگی مسائل این صنعت تأکید دارد. با این حال، نقطه ضعف اصلی این پژوهش، تقلیل مسئله به سطح راهبردی‌های فنی مانند «تجمیع تقاضا» و «مشترک‌سازی پلتفرم» است، بدون آنکه به تحلیل ریشه‌های نهادی و حکمرانی ناکارآمد که امکان اجرای همین راهبردها را نیز سلب می‌کند، بپردازد. این مقاله علیرغم اشاره به نقش ذینفعان، از تبیین «مکانیزم‌های تعامل ناسالم» بین آنان - که در پژوهش حاضر به

ردیف	عنوان	نویسنده	سال نشر	یافته‌ها و نقد و بررسی
				عنوان مانع پایه‌ای شناسایی شد - غافل مانده است. بنابراین، راهحل پیشنهادی آن در بهترین حالت، درمان علائم بیماری است بدون آنکه به علل زمینه‌های بپردازد که بدون رفع آنها، حتی "حمایت هوشمندانه" نیز در عمل به روال قبلی تبدیل خواهد شد
۱۰	شناسایی و دسته‌بندی آسیب‌های سیاستگذاری توسعه صنعتی در ایران	کمالی، یحیی و همکاران	۱۴۰۱	پژوهش حاضر به بررسی چالش‌های سیاست‌گذاری توسعه صنعتی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۷ می‌پردازد. با استفاده از روش فراترکیب و تحلیل ۷۵ منبع اسنادی، ۱۱۷ چالش کلیدی شناسایی و در چهار محور محتوا، فرآیند، کنشگران و زمینه‌های محیطی دسته‌بندی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مشکلاتی در تعیین اهداف بلندمدت، مراحل تدوین و اجرای سیاست‌ها، نقش بازیگران مختلف و عوامل سیاسی و مدیریتی وجود دارد که اصلاح این موارد می‌تواند به بهبود سیاست‌های توسعه صنعتی کشور کمک کند.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که ادبیات موجود در حوزه موانع توسعه صنعتی ایران عمدتاً در سه جریان اصلی قابل دسته‌بندی است. نخست، مطالعاتی با رویکرد توصیفی-فهرستی قرار دارند که با وسعت‌بخشی به حوزه تحلیل، طیف گسترده‌ای از چالش‌ها را در ابعاد مختلف شناسایی و فهرست کرده‌اند. نمونه‌های شاخص این دسته را می‌توان در پژوهش‌هایی مانند مطالعه کمالی و همکاران (۱۴۰۱) و گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس مشاهده کرد. نقطه قوت این مطالعات جامعیت آنهاست، اما ضعف اصلی آنها عدم ارائه تحلیلی از اولویت و روابط علی میان چالش‌های شناسایی شده است.

دسته دوم، پژوهش‌های موردی-بخشی هستند که به عمق بخشی از مسئله در یک صنعت خاص پرداخته‌اند. برای مثال، مطالعه رادمنش و نائینی (۱۴۰۲) در صنعت دارو و پژوهش خلیلی‌نصر و همکاران (۱۴۰۱) در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، از این جمله‌اند. اگرچه یافته‌های این مطالعات به کل اقتصاد صنعتی قابل تعمیم نیست، اما بر اهمیت «مشارکت ذینفعان» و «تأثیر عوامل بیرونی» تأکید دارند. سومین دسته، مطالعات تحلیلی-سیاستی را شامل می‌شود که به تحلیل علل شکست و ارائه راهکارهای کلان می‌پردازند. تحقیقاتی مانند فرتاش (۱۴۰۰) و مجیدپور و نامداریان (۱۳۹۴) در این گروه قرار می‌گیرند و بر مفاهیمی مانند «ضعف نهادی»، «عدم ثبات سیاستی» و «فقدان حکمرانی خوب» تأکید کرده‌اند.

با وجود ارزش این مطالعات، می‌توان ادعا کرد که پرسش (چه موانعی وجود دارد)، تا حدودی در ادبیات پاسخ داده شده است، اما پرسش (چگونگی ارتباط این موانع و ساختار سیستمیک آنها) - یعنی درک این که کدام موانع علت ریشه‌ای و کدام‌ها معلول سطحی هستند - به عنوان خلأی پژوهشی محسوس باقی

مانده است. این پژوهش با پذیرش پیشفرض سیستمیک بودن موانع توسعه صنعتی و با تمرکز بر تبیین روابط علی-سلسله‌مراتبی آنها، در صدد پر کردن این خلأ است. از این رو، با به کارگیری چارچوب روشی ترکیبی تحلیل مضمون و مدل‌سازی ساختاری تفسیری، در پی ترسیم نقشه نظام موانع و شناسایی اهرم‌های کلیدی برای طراحی مداخلات سیاستی اثرگذار است.

### ۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از جهت استراتژی پژوهش، آمیخته است و از روش کیفی (تحلیل مضمون) و کمی (رویکرد تحقیق در عملیات نرم و استفاده از رویکرد تحلیل ساختاری تفسیری) استفاده کرده است که در انجام آن از دو روش مختلف در سه گام اصلی بهره گرفته شده است: در گام اول اسناد مرتبط مطالعه شد. در گام دوم مصاحبه نیمه ساختاریافته برای احصای موانع انجام شد و در آخرین مرحله از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری برای تبیین روابط علی میان موانع استفاده شد.

#### ۳-۱) گردآوری داده‌های کیفی (مرحله اول)

الف- بررسی اسناد (مطالعه کتابخانه‌ای):

منبع یابی و معیارهای گزینش اسناد: جستجو برای یافتن اسناد بر اساس سه معیار اصلی انجام شد:

۱. رسمی بودن: اسناد می‌بایست توسط نهادهای رسمی و معتبر حکومتی (مانند مجلس شورای اسلامی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، مرکز پژوهش‌های مجلس و اتاق ایران) منتشر شده باشند.

۲. مربوط بودن: محتوای سند می‌بایست به طور مستقیم به «سیاست‌گذاری»، «تدوین استراتژی» یا «آسیب‌شناسی توسعه صنعتی در ایران» می‌پرداخت.

۳. بازه زمانی: اسناد منتشر شده در بازه زمانی ۱۳۶۸ (آغاز برنامه اول توسعه) تا ۱۴۰۳ (پایان برنامه هفتم توسعه) در نظر گرفته شدند.

فرآیند جستجو: جستجو به صورت نظام‌مند در پایگاه‌های اطلاعاتی رسمی این نهادها (مانند سایت مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، پایگاه قوانین و مقررات مجلس، وبسایت وزارت صمت و اتاق ایران) و با استفاده از کلیدواژه‌های «سند توسعه صنعتی»، «استراتژی صنعتی»، «آسیب‌شناسی صنعت»، «قانون برنامه توسعه» و «سیاست صنعتی ایران» انجام شد.

تمرکز تحلیل اسناد: در تحلیل محتوای این اسناد، به طور خاص به بخش‌هایی توجه شد که به تشریح چالش‌ها، بیان دلایل عدم موفقیت، یا اشاره به ضعف‌های اجرایی می‌پرداختند. همانطور که در جدول ۱ مقاله نشان داده شده است، استخراج «کدها» از اسناد، عمدتاً بر پایه همین بخش‌های تحلیلی و انتقادی صورت گرفت، نه صرفاً متن کلی اسناد.

ب- مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته:

معیارهای انتخاب خبرگان:

سابقه مستقیم: داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت مستقیم در حوزه تدوین یا اجرای اسناد سیاست صنعتی کلان ایران (به عنوان عضو کارگروه‌های تدوین، مشاور ارشد یا مدیر اجرایی).

۱. تجربه عملی: دارا بودن سابقه مدیریتی در سطوح بالای بخش عمومی (دولت) یا بخش خصوصی (اتاق‌های بازرگانی و صنایع بزرگ).
۲. تبار علمی: داشتن سابقه پژوهشی و انتشار مقاله یا کتاب در حوزه اقتصاد صنعتی، سیاست‌گذاری عمومی یا توسعه اقتصادی.
۳. شناسایی و دستیابی: نمونه‌گیری به روش هدفمند و گلوله برفی انجام شد. ابتدا با چند خبره شناخته‌شده، تماس گرفته شد و سپس از آنان برای شناسایی و معرفی سایر افراد واجد شرایط در شبکه حرفه‌ای خود درخواست شد.

### ۳-۲) روش تحلیل مضمون:

روش تحلیل مضمون یکی از روش‌های کیفی است که برای شناسایی، دسته‌بندی و تفسیر الگوهای معنایی موجود در داده‌های متنی به کار می‌رود. در این پژوهش، داده‌ها شامل اسناد و مدارک منتشر شده مرتبط با اسناد توسعه و همچنین مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان حوزه مربوطه بوده است. برای تحلیل این داده‌ها، از روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شده است که شامل سه مرحله کدگذاری باز (شناسایی مفاهیم پایه)، کدگذاری محوری (دسته‌بندی مضامین) و کدگذاری انتخابی (شناسایی مضامین فراگیر) می‌باشد. به منظور افزایش دقت تحلیل، مضامین در دو سطح آشکار و پنهان مورد بررسی قرار گرفتند، با تمرکز بیشتر بر مضامین آشکار (Afsharipour et al., 2021). (Khanifar & Moslemi, 2017)

در این مرحله از پژوهش، کلیه اسناد مرتبط با اسناد توسعه صنعتی گردآوری شد که مدارک و اسنادی که مطالعه شد، شامل موارد زیر است.

جدول ۲: اسناد مرتبط با اسناد توسعه صنعتی

ردیف	عنوان منبع/ مدرک	مولف/ صاحب اثر
۱	کتاب داستان توسعه در ایران (دفتر دوم)	گروه مهندسی خرد
۲	گزارش اعلام نظر اتاق ایران در خصوص سند نقشه راهبردی صنعتی و ارتقا تولید داخل	مرکز پژوهش‌های اتاق ایران
۳	آسیب شناسی توسعه صنعتی در ایران (۱)	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۴	آسیب شناسی توسعه صنعتی در ایران (۲)	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۵	آسیب شناسی توسعه صنعتی در ایران (۳)	مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
۶	شیوه‌نامه تدوین سند راهبردی دانشگاه‌ها، موسسات پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری	کارگروه ساماندهی اسناد راهبردی وزارت عطف

ردیف	عنوان منبع/ مدرک	مؤلف/ صاحب اثر
۷	قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	مصوبات مجلس شورای اسلامی
۸	قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	مصوبات مجلس شورای اسلامی
۹	قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	مصوبات مجلس شورای اسلامی
۱۰	قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	مصوبات مجلس شورای اسلامی
۱۱	قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)	مصوبات مجلس شورای اسلامی
۱۲	قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)	مصوبات مجلس شورای اسلامی
۱۳	قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷)	مصوبات مجلس شورای اسلامی

در مرحله بعد، برای تکمیل و اعتبارسنجی یافته‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با هشت نفر از خبرگان حوزه سیاست صنعتی انجام شد. این مصاحبه‌ها به عنوان منبع دیگری از داده‌ها در کنار اسناد موجود مورد استفاده قرار گرفتند. در نهایت، تمامی داده‌های گردآوری شده از هر دو منبع (اسناد و مصاحبه‌ها) با استفاده از روش تحلیل مضمون، بررسی و تحلیل شدند.

### جدول ۳: لیست مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سمت	نوع ذینفع	تحصیلات	مدت آشنایی
۱	عضو سابق تیم تدوین سند راهبردی توسعه صنعتی (دهه نود)	سیاست‌گذار (دولتی)	دکتری	۲۵ سال
۲	عضو سابق تیم تدوین سند راهبردی توسعه صنعتی (۱۴۰۰)	سیاست‌گذار (دولتی)	دکتری	۱۵ سال
۳	مشاور صنعتی و مشاور ارشد اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران و عضو هیئت علمی دانشگاه	بخش خصوصی	دکتری	۲۰ سال
۴	صنعتگر و پژوهشگر توسعه و مدیرعامل یک هلدینگ صنعتی و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی استان خراسان رضوی	بخش خصوصی	کارشناسی	۴۰ سال
۵	معاون سابق برنامه‌ریزی و توسعه یک شرکت ملی بزرگ	دولتی-عملیاتی	دکتری	۱۵ سال

ردیف	سمت	نوع ذینفع	تحصیلات	مدت آشنایی
۶	پژوهشگر سیاست صنعتی	پژوهشگر ارشد در سازمان مدیریت صنعتی	کارشناسی ارشد	۱۰ سال
۷	عضو هیئت علمی دانشگاه در رشته مدیریت صنعتی (گرایش استراتژی صنعتی)	دانشگاهی	دکتری	۱۵ سال
۸	عضو هیئت علمی دانشگاه در رشته اقتصاد صنعتی	دانشگاهی	دکتری	۲۰ سال

### ۳-۳ روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری:

مدل‌سازی ساختاری تفسیری (Interpretive Structural Modeling یا ISM) روشی منظم و گام‌به‌گام برای شناسایی و تحلیل ارتباطات میان اجزاء مختلف یک مسئله پیچیده است. این روش به کمک ساختاری سلسله‌مراتبی، روابط بین مولفه‌ها را به صورت یک مدل سازمان‌دهی شده نمایش می‌دهد. در این مرحله از تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه انجام شد. برای طراحی پرسشنامه، ابتدا مطالعات مرتبط با موضوع توسعه صنعتی مرور گردید. سپس برای بررسی روابط بین عوامل، از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شد؛ این روش ترکیبی از تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری است که به تحلیل روابط علت و معلولی و میزان تأثیرگذاری بین عوامل پیچیده در سیستم‌های تصمیم‌گیری می‌پردازد. ۶ عامل احصا شده، توسط ۱۵ خبره بررسی شد.



نمودار ۱: اطلاعات جمعیت شناختی تکمیل کنندگان پرسشنامه

در ISM، مولفه‌ها به شکل جدول مربعی در سطرها و ستون‌ها قرار می‌گیرند و روابط آن‌ها با استفاده از نمادها یا اعداد مشخص می‌شود؛ به طور مثال، اگر مولفه  $i$  بر  $j$  تأثیر داشته باشد، در ماتریس این رابطه ثبت می‌شود و نوع و جهت تأثیر را نشان می‌دهد.

برای گردآوری داده‌ها، پس از شناسایی شش مانع اصلی، از پرسشنامه مقایسه زوجی بر مبنای مقیاس چهارحالتی استفاده شد. در این پرسشنامه، از خبرگان خواسته شد تا رابطه بین هر دو عامل ( $i$  و  $j$ ) را با یکی از حالات زیر مشخص کنند:

جدول ۴: روابط بین عوامل

ردیف	نماد	توضیحات
۱	V	متغیر $i$ به تحقق متغیر $j$ کمک می‌کند.
۲	A	متغیر $j$ به تحقق متغیر $i$ کمک می‌کند.
۳	X	متغیر $i$ و $j$ هر دو به تحقق یکدیگر کمک می‌کنند.
۴	O	متغیر $i$ و $j$ با یکدیگر ارتباطی ندارند.

فرآیند اجرای روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری در چند گام اساسی صورت می‌پذیرد. در آغاز، مولفه‌ها یا عوامل کلیدی مسئله با اتکا به یافته‌های پژوهش و نظر خبرگان شناسایی و تعیین می‌شوند. در گام بعد، ماتریس خودتعاملی ساختاری به صورت یک ماتریس مربعی تشکیل می‌گردد که در آن روابط مستقیم بین مولفه‌ها با استفاده از نمادها یا اعدادی مشخص بیان می‌شود. سپس با تشکیل ماتریس دستیابی و اعمال قاعده تعدی، روابط غیرمستقیم و تأثیرات واسطه‌ای بین مولفه‌ها نیز لحاظ می‌شوند. در مرحله بعد، با محاسبه میزان نفوذ و وابستگی هر مولفه در ماتریس نهایی، سطوح سلسله‌مراتبی مولفه‌ها تعیین می‌گردد. در گام بعدی، مدل نهایی در قالب یک نمودار گرافیکی ترسیم می‌شود که سطوح و روابط بین مولفه‌ها را نمایش می‌دهد. سرانجام، با اجرای تحلیل MICMAC، مولفه‌ها بر اساس میزان نفوذ و وابستگی در دسته‌هایی مانند متغیر مستقل، وابسته یا ارتباطی تقسیم‌بندی می‌شوند. این فرایند به درک بهتر ساختار پیچیده مسئله و برنامه‌ریزی دقیق‌تر برای حل آن کمک می‌کند.

#### ۴-۳) رویکرد نظام‌یافته

پژوهش حاضر با هدف انجام تحلیلی نظام‌یافته طراحی شد. «نظام‌یافته بودن» در اینجا به معنای اتخاذ رویکرد سیستمی و به کارگیری روش‌هایی است که نه تنها اجزای مسئله (موانع) را شناسایی می‌کنند، بلکه روابط ساختاری، سلسله‌مراتب علی و پویایی‌های درونی بین آن‌ها را نیز آشکار می‌سازند. برای دستیابی به

این هدف، از چارچوب روش‌شناختی ترکیبی استفاده شد: در گام کیفی (تحلیل مضمون)، «اجزای سیستم» (موانع) شناسایی شدند و در گام کمی (روش ISM و تحلیل MICMAC)، «ساختار و روابط سیستم» بین این اجزا تبیین گردید. این رویکرد در مقابل روش‌های جزءنگر یا فهرستی صرف قرار می‌گیرد که قادر به نمایش نقشه علی موانع و شناسایی اهرم‌های کلیدی مداخله نیستند. بدون این رویکرد نظام‌یافته، خروجی پژوهش به یک لیست یا یک اولویت‌بندی ایستا از موانع محدود می‌شد و توانایی ارائه یک «نقشه راه سیستماتیک» برای مداخله سیاستی را از دست می‌داد.

#### ۴- یافته‌ها

در این بخش به دلیل محدودیت‌های قالب مقاله، امکان ارائه کامل تمامی یافته‌ها وجود نداشت و تنها مهم‌ترین نکات به اختصار مطرح شده‌اند.

#### ۴-۱) تحلیل مضمون:

جدول ۵: تحلیل مصاحبه‌ها

مضمین سازمان دهنده	مضمین پایه	کدهای استخراج شده	نقل قول از مصاحبه‌ها
عدم تعامل مثبت سیاستگذاران و ذینفعان	تعامل	نگاه بالا به پایین	مشکل اساسی این است که وقتی اسناد توسعه صنعتی تدوین می‌شود، اغلب با نگاه بالا به پایین انجام می‌گیرد. نه صنعتگران واقعی و نه صاحبان صنایع کوچک و متوسط در جلسات حضور دارند و همین باعث می‌شود سند روی کاغذ خوب به نظر برسد اما در عمل بی‌ارتباط با واقعیت‌های تولید باقی بماند.
		عدم حضور صنعتگران	یکی از ضعف‌های اصلی، نداشتن تعامل مؤثر بین سیاستگذاران و ذینفعان است. سیاستگذار معمولاً از اتاق‌های فکر دولتی می‌آید، اما فعالان صنعت از چالش‌های عملیاتی صحبت می‌کنند. وقتی این دو صدا به هم نمی‌رسند، سند هم ضمانت اجرایی پیدا نمی‌کند.
		تعارض منافع	تعارض منافع در میان ذینفعان هم یکی از موانع جدی است. بعضی از نهادها بیشتر به فکر حفظ جایگاه خودشان هستند تا اجرای واقعی سند. همین امر موجب می‌شود که اسناد عملاً ابزار قدرت شوند نه برنامه توسعه.
		عدم توجه به ظرفیت‌های بومی	یکی از مشکلات دیگر، نادیده گرفتن ظرفیت‌های بومی و منطقه‌ای است. اسناد توسعه بیشتر در سطح ملی نوشته می‌شوند اما توجهی به مزیت‌های محلی استان‌ها و شهرها ندارند.

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کدهای استخراج شده	نقل قول از مصاحبه‌ها
		شفاف نبودن فرآیند تدوین	شفافیت در فرآیند تدوین هم یک مشکل اساسی است. اسناد پشت درهای بسته و در جلسات محدود تدوین می‌شوند. فعالان اقتصادی تا زمان انتشار نسخه نهایی حتی از محتوای سند خبر ندارند.
عدم اجماع در چشم‌انداز و اهداف مطلوب	اجماع	چندصدایی و تشتت	در بسیاری از موارد حتی اجماعی روی چشم‌انداز وجود ندارد. مثلاً یک دستگاه رشد صادرات را محور قرار می‌دهد، دیگری بر تولید داخلی تأکید دارد، و سومی حمایت از صنایع نوآور را می‌خواهد. این چندصدایی، به تشتت اهداف در اسناد توسعه منجر می‌شود.
		عدم درک مشترک	فقدان آموزش و ظرفیت‌سازی هم مشکل جدی است. وقتی کارگزاران اجرایی سند در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها حتی درک مشترکی از اهداف سند ندارند، چطور می‌توان انتظار داشت آن را اجرایی کنند؟
		وجود سیاست‌های متناقض	بعضی از سیاست‌ها متناقض هستند. مثلاً در یک بخش سند از آزادسازی قیمت‌ها صحبت می‌شود و در بخش دیگر بر کنترل و بازانه تأکید می‌شود. این تناقضات درون‌سندی مانع اجرا می‌شوند.
عدم توجه به تجارب گذشته در تدوین سند	تجارب گذشته	پروژه‌های شکست‌خورده	ما بارها شاهد بوده‌ایم که تجربه‌های گذشته اصلاً دیده نمی‌شود. مثلاً پروژه‌های شکست‌خورده دهه‌های قبل دوباره با همان عنوان‌ها در اسناد جدید تکرار می‌شود. نتیجه این می‌شود که منابع تکراری صرف اشتباهات تکراری می‌شود.
		نگاه کوتاه مدت	عدم ثبات قوانین و تغییرات مداوم در مقررات اقتصادی، عملاً سند را بی‌اثر می‌کند. وقتی بخش خصوصی می‌بیند قوانین هر چند ماه تغییر می‌کند، دیگر اعتمادی به اجرای برنامه‌های توسعه ندارد. منافع کوتاه‌مدت سیاسی هم در تدوین اسناد اثر می‌گذارد. به جای اینکه توسعه صنعتی به‌عنوان یک امر ملی دنبال شود، بعضی سیاست‌ها بیشتر رنگ و بوی تبلیغاتی و انتخاباتی پیدا می‌کنند. مسئله دیگر نگاه کوتاه‌مدت به اسناد توسعه است. اغلب اسناد برای افق‌های بلندمدت نوشته می‌شوند، اما هر دولتی با تغییر رویکرد خودش، بخش‌هایی از سند را کنار می‌گذارد. بنابراین استمرار در اجرای سند وجود ندارد.
تصمیم‌گیری شهودی سیاست‌گذاران	تصمیم	تصمیم‌گیری بیشتر بر اساس ذهنیت	تصمیم‌گیری در حوزه اسناد توسعه صنعتی بیشتر شهودی است تا مبتنی بر داده. بسیاری از تصمیم‌سازان به جای تحلیل علمی یا

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کد های استخراج شده	نقل قول از مصاحبه‌ها
			استفاده از داده‌های میدانی، بر اساس ذهنیت و تجربه شخصی خود سیاست را طراحی می‌کنند.
		عدم استفاده جدی از ظرفیت دانشگاه‌ها	در فرآیند تدوین، از ظرفیت‌های علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی هم به‌طور جدی استفاده نمی‌شود. در حالی که این نهادها می‌توانند داده‌های معتبر و تحلیل‌های آینده‌پژوهانه ارائه دهند، اما اغلب به حاشیه رانده می‌شوند.
عدم مشارکت ذینفعان و سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی در تدوین سند	ابعاد بین‌المللی	ندیدن ابعاد بین‌المللی	یکی از نواقص جدی این است که سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی در فرآیند تدوین حضور ندارند. در حالی که ارتباط با بازارهای بین‌المللی، تعرفه‌ها و تحریم‌ها مستقیم روی صنعت اثر می‌گذارد. وقتی این بعد دیده نمی‌شود، سند عملاً ناقص است.
مشخص نبودن نهاد متولی بالادستی	نهاد مشخص	همپوشانی و چندگانگی نهادی	هیچ‌وقت یک نهاد متولی مشخص برای اجرای این اسناد معرفی نمی‌شود. نهادهای متعدد با هم همپوشانی دارند و در عمل مسئولیت‌ها تقسیم نمی‌شود. همین چندگانگی نهادی باعث می‌شود هر سازمان بخشی از کار را به دیگری حواله دهد.
		تقسیم‌نشدن مسئولیت‌ها	بخش خصوصی معمولاً سند را محصول دولت می‌داند و دولت هم معتقد است اجرا بر عهده بخش خصوصی است. این پاسکاری مسئولیت، خود یکی از دلایل اجرانشدن سندهاست.
			ضعف در هماهنگی بین‌دستگاهی هم وجود دارد. وزارتخانه‌های مختلف هر کدام بخشی از سند را بر عهده می‌گیرند اما بدون هم‌افزایی و تبادل نظر. نتیجه این می‌شود که خروجی واحدی حاصل نمی‌شود.
		فقدان نظام پایش	نظام پایش و ارزیابی در اسناد توسعه صنعتی وجود ندارد. شاخص‌های مشخص برای سنجش میزان پیشرفت تعریف نمی‌شوند. وقتی ابزار نظارت نباشد، عملاً هیچ‌کس پاسخگو نیست.

بر اساس یافته‌های مصاحبه‌ها، اسناد اغلب با نگاهی بالا به پایین و بدون حضور موثر صنعتگران و فعالان بخش خصوصی تدوین می‌شوند. این موضوع باعث می‌شود اسناد روی کاغذ خوب به نظر برسند اما با واقعیت‌های تولید بی‌ارتباط باشند. تعارض منافع نهادها و عدم شفافیت در فرآیند تدوین (پشت درهای بسته) نیز این مسئله را تشدید می‌کند. از طرفی در بسیاری از موارد، دستگاه‌های مختلف اهداف متناقضی را دنبال می‌کنند (تأکید هم‌زمان بر صادرات، تولید داخلی و صنایع نوآور). این چندصدایی به تشتت اهداف منجر می‌شود و کارگزاران اجرایی درک مشترکی از سند ندارند. به همین دلیل پروژه‌های شکست‌خورده دهه‌های قبل، دوباره با همان عناوین در اسناد جدید تکرار می‌شوند. این نادیده‌گرفتن درس‌های گذشته، موجب هدررفت منابع تکراری می‌شود. همچنین تصمیم‌گیری‌ها بیشتر بر اساس ذهنیت و تجربه شخصی است تا تحلیل علمی و داده‌های میدانی. عدم استفاده جدی از ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، همراه با نگاه کوتاه‌مدت سیاسی و انتخاباتی، کیفیت اسناد را کاهش می‌دهد. از دیگر روی در تدوین اسناد، ابعاد بین‌المللی مانند تأثیر تعرفه‌ها، تحریم‌ها و ارتباط با بازارهای جهانی نادیده گرفته می‌شود. عدم حضور سیاست‌گذاران حوزه سیاست خارجی در فرآیند تدوین، سند را در عمل ناقص می‌گذارد. در همین راستا همپوشانی و چندگانگی نهادی باعث می‌شود مسئولیت‌ها تقسیم نشود و هر سازمان، کار را به دیگری حواله دهد. همچنین فقدان نظام پایش و ارزیابی (شاخص‌های مشخص و ابزار نظارت) موجب می‌شود هیچ‌کس در قبال اجرا پاسخگو نباشد. به طور کلی مشکلات اساسی اسناد توسعه صنعتی را می‌توان در شکاف بین تدوین‌کنندگان و مجریان، نبود اجماع و ثبات، بی‌توجهی به داده‌ها و تجارب گذشته، و فقدان نهاد متولی و نظام ارزیابی خلاصه کرد. در نهایت باید این نکته را متذکر شد که موارد یافت شده در مصاحبه‌ها در سایر پژوهش‌ها و اسناد هم ذکر شده است:

جدول ۶: تحلیل اسناد

عامل	متن مرتبط
عدم اجماع در چشم‌انداز و اهداف مطلوب	گاهی به دلیل نگاه غیرواقع‌بینانه به اهداف پیش‌بینی‌شده، تحقق اهداف ممکن نبوده و سند نیاز به بازنگری یافته است. (وزارت عتف، ۱۴۰۱)
	در بخش چشم‌انداز، اهداف و راهبردها کلی و شعارگونه هستند و رابطه روشنی بین اهداف و اقدامات عملیاتی وجود ندارد؛ به همین دلیل، سند فاقد جهت‌گیری مشخص است. (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳).
	بیست سال پس از شروع مطالعات تدوین استراتژی توسعه صنعتی، امروز از هر زمان دیگر از اهداف چشم‌انداز دور شده‌ایم... آیا این افول ناشی از ناهماهنگی در اهداف و تدابیر بوده است؟ (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱)
	محتوا شامل مقوله‌های اهداف بلندمدت یا چشم‌اندازها، راهبردها، برنامه‌ها، سیاست‌ها و قوانین و مقررات نظارتی است. (کمالی یحیی و همکاران، ۱۴۰۱).
	در خصوص اولویت‌های توسعه صنعتی اجماع بین دستگاه‌ها وجود ندارد و اسناد متعددی بدون هماهنگی منتشر شده‌اند. (فرتاش، کپارش، ۱۴۰۰).

متن مرتبط	عامل
مطالعات انجام شده یا تکرار برخی اقدامات گذشته خلاصه شده و طرحی نو و باکیفیت برای تحول شرایط نگاشته نشده است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱)	عدم توجه به تجارب گذشته در تدوین سند
در نهایت موجب خواهند شد که تجربه شکست‌خورده کشور در فرآیند اجرای اسناد استراتژی توسعه صنعتی گذشته برای این سند نیز تکرار شود. (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳).	
تفاوت نسبت به مسیرهای گذشته و توجه به تحول استراتژیک یکی از الزامات تدوین سند راهبردی عنوان شده است. (وزارت عتف، ۱۴۰۱)	
اجرائی نشدن اسناد قبلی نشان از عدم یادگیری سیاستی است؛ تدوین‌کنندگان نسبت به تجربه‌های پیشین بی‌توجه بوده‌اند. (فرتاش، کیارش، ۱۴۰۰).	
فقدان ظرفیت تحلیلی می‌تواند نسبت به سیاست‌هایی که اثرات آن‌ها با اطمینان بیشتری قابل تحلیل است، تعصب ایجاد کند. اطلاعات اضافی و زیاد با نبود اطلاعات مفید و مشخص، محدودیت بیشتری بر ظرفیت تحلیلی ایجاد می‌کند. (کمالی یحیی و همکاران، ۱۴۰۱).	تصمیم‌گیری شهودی سیاستگذاران
انبوه اقدامات اجرایی و سیاستی توصیه شده در بخش راهبردها امکان تفسیر و برداشت‌های مختلف دارد و می‌تواند به مداخلات سلیقه‌ای و آزمون و خطا منجر شود. (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳).	
تصمیمات اقتصادی در ایران غالباً متکی بر اراده فردی سیاستگذاران بوده و نه بر تحلیل‌های کارشناسی و داده‌محور. (شریف‌زادگان، محمد حسین و نورایی، همایون ۱۳۹۴).	
اسناد عمدتاً با رویکردی نئوکلاسیکی و بر پایه تصمیمات سیاسی و غیرکارشناسی تدوین شده‌اند، بدون ارزیابی ابزارها و امکان‌پذیری اجرای آنها. (فرتاش، کیارش، ۱۴۰۰).	
وقتی ذی‌نفعان مختلف دیدگاه‌ها، نیازها و منابع قدرت متفاوتی دارند، تضاد در درون و بیرون دولت قابل پیش‌بینی است... مدیریت سیاسی مشارکتی و راهبردهای دقیق برای تداوم حمایت سیاسی ضروری است. (کمالی یحیی و همکاران، ۱۴۰۱).	عدم مشارکت ذینفعان و سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی در تدوین سند
در فرآیند اخذ نظر از بخش خصوصی، صرفاً کلیات سند مطرح شده و هیچ‌یک از مطالعات پشتیبان برای هر رشته فعالیت در اختیار اتاق ایران قرار نگرفته است. (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳).	
کارگروه ساماندهی اسناد راهبردی تأکید دارد بر لزوم مشارکت واقعی دانشگاه‌ها، مراکز پژوهش، وزارتخانه‌ها و مؤسسات در تدوین سند، و پرهیز از روزمرگی و مداخله در قالب و محتوا. (وزارت عتف، ۱۴۰۱)	
حداقل ۵۰ سازمان و نهاد درگیر اجرای سیاست‌های مختلف صنعتی هستند... نتیجه این آرایش نهادی، موازی‌کاری و تشتت سازمانی است. برای رفع این مشکل باید نهاد هماهنگ‌کننده‌ای مانند سازمان برنامه و بودجه یا وزارت صمت نقش بالادستی ایفا کند. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱)	مشخص نبودن نهاد متولی بالادستی
ضرورت دارد تدوین استراتژی توسعه صنعتی توسط نهادی با جایگاه فرابخشی و دانش برنامه‌ریزی مانند سازمان برنامه و بودجه انجام گیرد. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱)	

عامل	متن مرتبط
	در اجرای سیاست‌ها باید متولیان و بازیگران مشخص باشند. پرداختن به مسئله اجرا بدون تعیین تقسیم کار ملی، اجرای سند را با مشکل مواجه می‌کند. (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳).
	توسعه صنعتی فرآیندی حاکمیتی است که باید در بالاترین سطح اجرایی دولت پیگیری شود؛ وزارت صمت حتی در صورت اراده، متولی کافی نیست. (فرتاش، کیارش، ۱۴۰۰).
	تضاد منافع در اجرای سیاست‌ها و نبود هماهنگی میان بازیگران و گروه‌های مختلف تأثیرگذار بر صنعت کشور موجب می‌شود اجرای سند توسعه صنعتی با مشکل مواجه گردد. (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳).
عدم تعامل مثبت	در سال‌های پس از جنگ نیز دولت‌ها در آخرین ماه‌های فعالیت خود سند استراتژی توسعه صنعتی را منتشر کرده‌اند؛ این تأخیر و بی‌اثری در عمل به گزارش‌های غیرموثر تبدیل شده است. (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۳).
سیاست‌گذاران و ذینفعان	نتایج گزارش حاضر نشان می‌دهد فقدان انسجام سیاست‌گذاری صنعتی به شکل تعدد سازمان‌ها و نهادهای درگیر اعمال سیاست‌های صنعتی ظاهر شده... نتیجه این آرایش نهادی، موازی‌کاری، تشتت سازمانی و عدم دستیابی مناسب به اهداف است. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱)
	وقتی ذینفعان مختلف دیدگاه‌ها و همین‌طور نیازها، منافع، اطلاعات و منابع قدرت متفاوتی دارند، تضاد در درون و بیرون دولت قابل پیش‌بینی است... مدیریت سیاسی مشارکتی و همه‌جانبه برای حمایت از سیاست‌ها ضروری است. (کمالی یحیی و همکاران، ۱۴۰۱).
	متولی قدرتمند و مدیریت تعارضات در تدوین، پیاده‌سازی و ارزیابی سیاست توسعه صنعتی ضروری است تا مشارکت متوازن و مؤثر بازیگران مختلف اعم از دولتی و خصوصی تضمین شود. (فرتاش، کیارش، ۱۴۰۰).

بررسی اسناد توسعه صنعتی نشان می‌دهد که این اسناد با چالش‌های متعددی در فرآیند تدوین و اجرا مواجه هستند. نخستین مسئله به عدم اجماع در چشم‌انداز و اهداف مطلوب بازمی‌گردد؛ به گونه‌ای که اهداف پیش‌بینی شده اغلب غیرواقع‌بینانه بوده و تحقق آنها را با مشکل مواجه می‌کند. از سوی دیگر، اهداف و راهبردها در بخش چشم‌انداز چنان کلی و شعارگونه ترسیم می‌شوند که رابطه روشنی بین آنها و اقدامات عملیاتی برقرار نیست و سند عملاً جهت‌گیری مشخصی پیدا نمی‌کند. تأمل در تجربه چندین ساله تدوین استراتژی توسعه صنعتی نیز حاکی از آن است که نه تنها به اهداف نزدیک نشده‌ایم، بلکه از آنها دورتر هم شده‌ایم و این افول را می‌توان ناشی از ناهماهنگی در اهداف و تدابیر دانست. در شرایطی که محتوای اسناد عمدتاً شامل اهداف بلندمدت، راهبردها و قوانین نظارتی است، آنچه بیش از همه مشهود می‌باشد فقدان اجماع میان دستگاه‌ها در خصوص اولویت‌های توسعه صنعتی و انتشار اسناد متعدد و ناهماهنگ است.

مسئله مهم دیگر که در اسناد توسعه صنعتی نادیده گرفته شده، عدم توجه به تجارب گذشته در تدوین اسناد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد مطالعات انجام‌شده صرفاً به تکرار برخی اقدامات گذشته خلاصه می‌شود

و اثری از طرحی نو و باکیفیت برای تحول شرایط در آنها دیده نمی‌شود. این رویکرد موجب خواهد شد تجربه شکست‌خورده کشور در فرآیند اجرای اسناد استراتژی توسعه صنعتی گذشته، برای اسناد جدید نیز تکرار شود. در حالی که تفاوت نسبت به مسیرهای گذشته و توجه به تحول استراتژیک از الزامات تدوین سند راهبردی عنوان شده، اما اجرایی نشدن اسناد قبلی نشان از عدم یادگیری سیاستی دارد و تدوین‌کنندگان نسبت به تجربه‌های پیشین بی‌توجه بوده‌اند.

چالش سوم به تصمیم‌گیری شهودی سیاستگذاران بازمی‌گردد. فقدان ظرفیت تحلیلی موجب می‌شود نسبت به سیاست‌هایی که اثرات آنها با اطمینان بیشتری قابل تحلیل است، تعصب ایجاد شود و از سوی دیگر، انبوه اطلاعات اضافی و نبود اطلاعات مفید و مشخص، محدودیت بیشتری بر ظرفیت تحلیلی تحمیل می‌کند. انبوه اقدامات اجرایی و سیاستی که در بخش راهبردها توصیه می‌شود نیز امکان تفسیر و برداشت‌های مختلف را فراهم آورده و به مداخلات سلیقه‌ای و آزمون و خطا منجر می‌شود. واقعیت آن است که تصمیمات اقتصادی در ایران غالباً متکی بر اراده فردی سیاستگذاران بوده و نه بر تحلیل‌های کارشناسی و داده‌محور، و اسناد عمدتاً با رویکردی نئوکلاسیکی و بر پایه تصمیمات سیاسی و غیرکارشناسی تدوین شده‌اند، بدون آنکه ارزیابی دقیقی از ابزارها و امکان‌پذیری اجرای آنها به عمل آید.

چهارمین مسئله اساسی، عدم مشارکت ذینفعان و سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی در تدوین سند است. با توجه به اینکه ذینفعان مختلف دیدگاه‌ها، نیازها و منابع قدرت متفاوتی دارند، تضاد در درون و بیرون دولت امری قابل پیش‌بینی است و مدیریت سیاسی مشارکتی و راهبردهای دقیق برای تداوم حمایت سیاسی ضرورت می‌یابد. با این حال، در فرآیند اخذ نظر از بخش خصوصی، صرفاً کلیات سند مطرح شده و هیچ‌یک از مطالعات پشتیبان برای هر رشته فعالیت در اختیار اتاق ایران قرار نگرفته است. این در حالی است که کارگروه ساماندهی اسناد راهبردی بر لزوم مشارکت واقعی دانشگاه‌ها، مراکز پژوهش، وزارتخانه‌ها و مؤسسات در تدوین سند تأکید دارد و خواستار پرهیز از روزمرگی و مداخله در قالب و محتوا شده است.

پنجمین چالش به مشخص نبودن نهاد متولی بالادستی مربوط می‌شود. حداقل پنج‌سازمان و نهاد درگیر اجرای سیاست‌های مختلف صنعتی هستند و نتیجه این آرایش نهادی، موازی‌کاری و تشتت سازمانی است. برای رفع این مشکل لازم است نهاد هماهنگ‌کننده‌ای مانند سازمان برنامه و بودجه یا وزارت صمت نقش بالادستی ایفا کند و ضرورت دارد تدوین استراتژی توسعه صنعتی توسط نهادی با جایگاه فرابخشی و دانش برنامه‌ریزی مانند سازمان برنامه و بودجه انجام گیرد. در اجرای سیاست‌ها نیز باید متولیان و بازیگران مشخص باشند و پرداختن به مسئله اجرا بدون تعیین تقسیم کار ملی، اجرای سند را با مشکل مواجه می‌کند.

توسعه صنعتی فرآیندی حاکمیتی است که باید در بالاترین سطح اجرایی دولت پیگیری شود و وزارت صمت حتی در صورت اراده، به تنهایی متولی کافی برای این امر نیست.

در نهایت، ششمین چالش به عدم تعامل مثبت سیاستگذاران و ذینفعان اختصاص دارد. تضاد منافع در اجرای سیاست‌ها و نبود هماهنگی میان بازیگران و گروه‌های مختلف تأثیرگذار بر صنعت کشور موجب می‌شود اجرای سند توسعه صنعتی با مشکل مواجه گردد. تجربه سال‌های پس از جنگ نشان می‌دهد دولت‌ها در آخرین ماه‌های فعالیت خود سند استراتژی توسعه صنعتی را منتشر کرده‌اند و این تأخیر و بی‌اثری در عمل به گزارش‌های غیرموثر تبدیل شده است. فقدان انسجام سیاستگذاری صنعتی به شکل تعدد سازمان‌ها و نهادهای درگیر اعمال سیاست‌های صنعتی ظاهر شده و نتیجه این آرایش نهادی، موازی‌کاری، تشتت سازمانی و عدم دستیابی مناسب به اهداف است. وقتی ذی‌نفعان مختلف دیدگاه‌ها و نیازها، منافع، اطلاعات و منابع قدرت متفاوتی دارند، تضاد در درون و بیرون دولت قابل پیش‌بینی است و ضرورت دارد متولی قدرتمندی با توانایی مدیریت تعارضات در تدوین، پیاده‌سازی و ارزیابی سیاست توسعه صنعتی حضور داشته باشد تا مشارکت متوازن و مؤثر بازیگران مختلف اعم از دولتی و خصوصی تضمین شود. بر همین اساس یافته‌های این پژوهش، موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی ایران شامل موارد زیر است:

جدول ۷: لیست موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی

ردیف	نماد	موانع
۱	C-1	عدم تعامل مثبت سیاستگذاران و ذینفعان
۲	C-2	عدم اجماع در چشم‌انداز و اهداف مطلوب
۳	C-3	عدم توجه به تجارب گذشته در تدوین سند
۴	C-4	تصمیمگیری شهودی سیاستگذاران
۵	C-5	عدم مشارکت ذینفعان و سیاستگذاران حوزه سیاست خارجی در تدوین سند
۶	C-6	مشخص نبودن نهاد متولی بالادستی

## ۲-۴) مدل‌سازی ساختاری تفسیری

پس از گردآوری داده‌ها، برای تحلیل آنها از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری (ISM) استفاده شد. در گام نخست، داده‌های گردآوری شده با بهره‌گیری از این روش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در ادامه، ماتریس دستیابی اولیه محاسبه و روابط میان متغیرها مشخص گردید. سپس با اعمال قواعد لازم، ماتریس

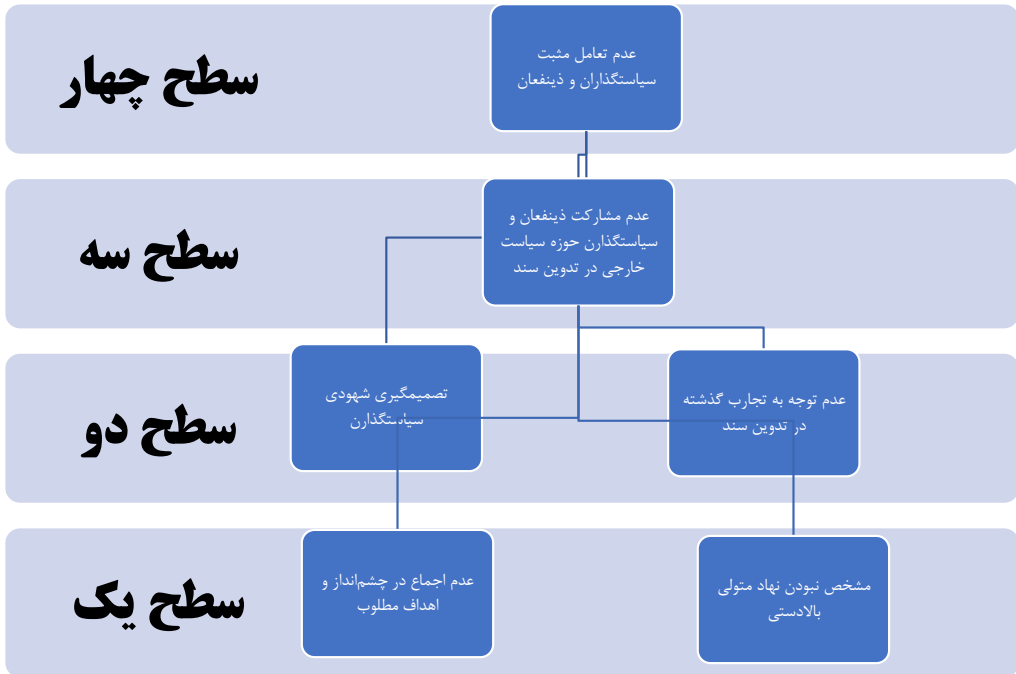
دستیابی نهایی استخراج شد. بر اساس این ماتریس، سطح‌بندی موانع تعیین و روابط سلسله‌مراتبی میان آنها مشخص گردید. در نهایت، خروجی نهایی این تحلیل که نشان‌دهنده سطوح مختلف موانع است، به دست آمد. نتیجه این فرآیند در ادامه به صورت کامل ارائه شده است.

### ۱-۲-۴) سطح بندی عوامل

جدول ۸: ماتریس تعیین سطوح

Determine the Levels				
Subscription collection	Preliminary collection	Received collection	N O	Iteration: 1
C-1	C-1	C-1C-2C-3C-4C-5C-6	1	
C-2C-4C-5C-6	C-1C-2C-3C-4C-5C-6	C-2C-4C-5C-6	2	Exit > Level 1
C-3	C-1C-3C-4C-5	C-2C-3C-6	3	
C-2C-4C-5	C-1C-2C-4C-5	C-2C-3C-4C-5C-6	4	
C-2C-4C-5	C-1C-2C-4C-5C-6	C-2C-3C-4C-5	5	
C-2C-6	C-1C-2C-3C-4C-6	C-2C-5C-6	6	

در سطح‌بندی انجام‌شده با روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، موانع در سطوح مختلفی طبقه‌بندی شدند. عواملی که در سطوح پایین‌تر قرار گرفتند، تأثیرگذارترین و زیربنایی‌ترین موانع محسوب می‌شوند و سایر عوامل از آنها اثر می‌پذیرند. در سطوح میانی، عواملی قرار دارند که هم از موانع زیرین تأثیر می‌گیرند و هم بر موانع بالایی اثر می‌گذارند. در بالاترین سطح نیز عواملی جای گرفته‌اند که بیشترین وابستگی را داشته و نتیجه تأثیر سایر موانع هستند. این سطح‌بندی نشان می‌دهد برای رفع موانع، باید ابتدا بر عوامل سطوح پایین‌تر تمرکز کرد تا سایر سطوح به تبعیت از آنها اصلاح شوند. با توجه به ماتریس فوق، مدل سطح‌بندی شده موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی ایران به شرح زیر تحلیل می‌شود:



نمودار ۲: مدل سطح‌بندی شده موانع اجرایی‌سازی اسناد توسعه صنعتی ایران

بر اساس مدل سلسله‌مراتبی استخراج‌شده از تحلیل ساختاری تفسیری، موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی در چهار سطح مجزا از یکدیگر قرار گرفتند که بیانگر روابط علی و سلسله‌مراتبی عمیق بین آنهاست. در پایه‌ای‌ترین سطح این مدل (سطح چهارم)، مانع «عدم تعامل مثبت سیاست‌گذاران و ذینفعان» قرار دارد. این متغیر به عنوان سنگ بنای سیستم موانع شناسایی شد که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری یا تشدید سایر چالش‌ها ایفا می‌کند. نمودهای عینی این مانع را می‌توان در فقدان ارتباط سازنده و نهادینه‌شده بین نهادهای دولتی و بخش خصوصی، عدم طراحی مکانیزم‌های مؤثر برای مشارکت واقعی ذینفعان در فرآیندهای سیاستی، و ضعف مزمّن در ایجاد اعتماد متقابل بین بازیگران اصلی عرصه صنعت مشاهده کرد. جایگاه این متغیر در پایه مدل به این معناست که سایر موانع تا حدود زیادی ریشه در این رابطه‌ای و حکمرانی دارند.

در سطح سوم، مانع «عدم مشارکت ذینفعان و سیاست‌گذاران حوزه سیاست خارجی در تدوین سند» به عنوان یک متغیر میانی مستقر شده است. این چالش را می‌توان تا حد زیادی پیامد مستقیم فضای تعاملی ناکارآمد (سطح چهارم) دانست که منجر به انزوای نسبی فرآیند سیاست‌گذاری صنعتی از تحولات، الزامات

و فرصت‌های محیط بین‌الملل می‌شود. این انزوا، تدوین اسنادی را در پی دارد که با واقعیت‌های اقتصاد جهانی همخوانی چندانی ندارد.

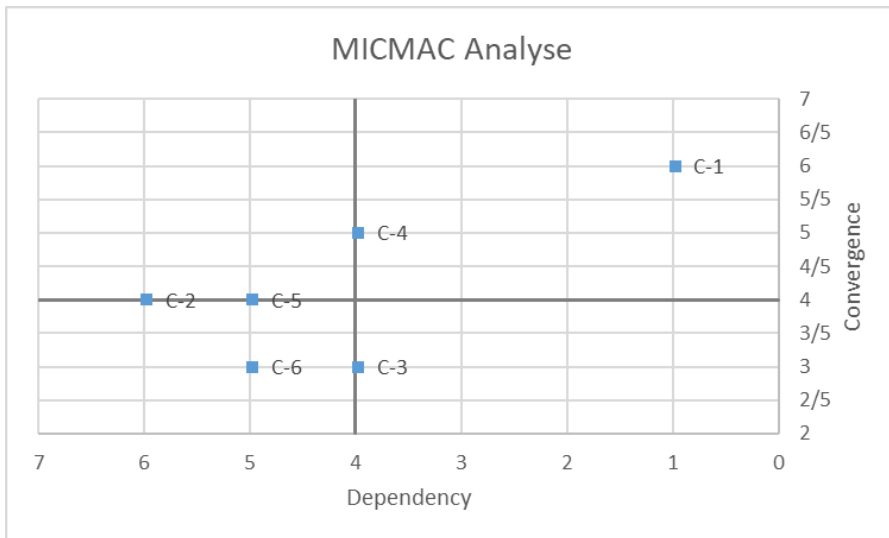
سطح دوم مدل، شامل دو مانع واسطه‌ای «تصمیم‌گیری شهودی سیاست‌گذاران» و «عدم توجه به تجارب گذشته در تدوین سند» است. این موانع به طور مستقیم تحت تأثیر ضعف‌های سطوح پایین‌تر (به‌ویژه فقدان تعامل سازنده و در نظر نگرفتن ابعاد بین‌المللی) شکل می‌گیرند. در چنین بستری، فرآیند تصمیم‌گیری به سمت قضاوت‌های شخصی و غیرداده‌محور سوق یافته و چرخه یادگیری سازمانی و استفاده از درس‌های تجربی گذشته دچار اختلال جدی می‌شود. نتیجه، تکرار اشتباهات تاریخی و فقدان یک رویکرد تجمیع‌شونده و علمی در تدوین سیاست‌هاست.

در نهایت، وابسته‌ترین موانع در سطح اول مدل جای گرفته‌اند که شامل «عدم اجماع در چشم‌انداز و اهداف مطلوب» و «مشخص نبودن نهاد متولی بالادستی» می‌باشند. این دو، در حقیقت تظاهرات نهایی و علائم بارز dysfunction کلی سیستم هستند. آنها بیشتر از آنکه علت باشند، معلول زنجیره‌ای از مشکلات ریشه‌ای‌تر در سطوح پایین‌تر محسوب می‌شوند. بی‌ثباتی در تعیین جهت‌گیری کلان و پراکندگی مسئولیت‌های اجرایی، که نمود عینی این موانع سطح اول هستند، مستقیماً به پراکندگی و عدم انسجام در مرحله عمل منجر می‌شوند. این ساختار سلسله‌مراتبی به وضوح نشان می‌دهد که هرگونه تلاش برای حل موانع سطح بالا (مانند ایجاد اجماع یا تعیین نهاد متولی) بدون پرداختن به موانع پایه‌ای و میانی، در بهترین حالت راه‌حلی مقطعی و ناپایدار خواهد بود و سیستم را از یک چرخه شکست خارج نخواهد کرد. روابط سلسله‌مراتبی به وضوح قابل مشاهده است و مدل ارائه شده نشان می‌دهد که مانع ریشه‌ای، عدم تعامل مثبت بین سیاست‌گذاران و ذینفعان است. سایر موانع به صورت زنجیره علی به هم مرتبط هستند و حل موانع سطح پایین‌تر بدون توجه به موانع سطح بالاتر امکان‌پذیر نیست. این تحلیل نشان می‌دهد که حل موفقیت‌آمیز موانع اجرایی توسعه صنعتی نیازمند رویکردی سیستمیک و توجه به روابط علی بین موانع مختلف است.

تحلیل‌های ISM درکی نظام‌مند و سلسله‌مراتبی از موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی ایران ارائه می‌دهد. یافته‌ها به صورت قاطعانه نشان می‌دهند که مسئله اصلی، ضعف در حکمرانی و بستر نهادی است، نه محتوای اسناد. فقدان تعامل سازنده، اعتماد و مشارکت معنادار ذینفعان (C-1)، قلب تپنده این اختلال عملکرد است. این پژوهش نشان می‌دهد که موانع به صورت جداگانه عمل نمی‌کنند، بلکه یک سیستم به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند. بنابراین، رویکردهای جزیره‌ای و مقطعی برای حل آن‌ها کارآمد نخواهد بود و لازم است راه‌حل‌های یکپارچه و نظام‌مند طراحی و اجرا گردد. تشکیل یک «نهاد فرابخشی» با اختیارات کافی و با مشارکت همه ذینفعان کلیدی، می‌تواند به عنوان یک سازوکار نهادی ملموس برای حل همزمان موانع C-1 (تعامل)، C-6 (نهاد متولی) و C-2 (اجماع) عمل کند.

### ۳-۴) تحلیل MICMAC

در تحلیل MICMAC، موانع بر اساس دو معیار اصلی «قدرت تأثیرگذاری» و «میزان وابستگی» مورد بررسی قرار می‌گیرند. این دو معیار مبنای دسته‌بندی عوامل در چهار ناحیه مجزا قرار می‌گیرند. هر یک از این نواحی، ویژگی‌های خاصی داشته و تفسیر متفاوتی از نقش موانع ارائه می‌دهند. برای نمونه، برخی موانع تأثیرگذاری بالا ولی وابستگی پایینی دارند. در مقابل، موانعی وجود دارند که وابستگی بالا و تأثیرگذاری کمی از خود نشان می‌دهند. دو ناحیه دیگر نیز به ترتیب شامل موانع دوگانه و مستقل می‌شوند. در پژوهش حاضر، داده‌های گردآوری شده در این چهارچوب تحلیل شده‌اند. نمودار حاصل از این تحلیل که نمایشگر موقعیت هر مانع است، در ادامه ارائه شده است.



نمودار ۳: نمودار تحلیل MICMAC (قدرت تأثیرگذاری-وابستگی)

جدول ۹: نتیجه تحلیل MICMAC

Convergence	Dependency	MICMAC Analyse
6	1	C-1
4	6	C-2
3	4	C-3
5	4	C-4
4	5	C-5
3	5	C-6

مدل ISM به وضوح روابط سلسله‌مراتبی و علی بین موانع را نشان می‌دهد. مانع C-1 (عدم تعامل مثبت) در پایه‌ای‌ترین سطح (IV) قرار دارد که نشان‌دهنده نقش آن به عنوان یک عامل کلیدی و ریشه‌ای است. این مانع به صورت مستقیم بر موانع سطح III (C-4 و C-5) تاثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری شهودی و عدم در نظرگیری سیاست خارجی، ریشه در عدم وجود بستر مناسب برای تعامل و گفت‌وگوی سازنده بین ذینفعان دارد.

به طور متقابل، موانع C-4 و C-5 نیز بر یکدیگر تاثیرگذار هستند (ارتباط دوطرفه) که حاکی از تقویت متقابل این دو چالش است. این دو مانع، به نوبه خود، بر مانع C-3 در سطح II تاثیر می‌گذارند. این یافته نشان می‌دهد که بی‌توجهی به درس‌های آموخته‌شده از تجارب گذشته، تا حد زیادی نتیجه تصمیم‌گیری‌های غیرعلمی و عدم استفاده از خرد جمعی است.

در نهایت، تمامی این زنجیره علی، به ایجاد موانع نهایی در سطح I منجر می‌شوند: عدم اجماع در چشم‌انداز و مشخص نبودن نهاد متولی. این دو مانع، به عنوان علائم و نتایج نهایی سیستم dysfunctional حاضر محسوب می‌شوند. مسیرهای تاثیر در مدل تاکید می‌کند که بدون حل مانع ریشه‌ای (C-1)، هرگونه تلاش برای رفع موانع سطح بالاتر (مانند تعیین نهاد متولی یا ایجاد اجماع) تنها نتیجه‌ای مقطعی و ناپایدار خواهد داشت، چرا که علل اصلی تولید این مسائل پابرجا هستند.

تحلیل MICMAC که بر مبنای محاسبه قدرت تأثیرگذاری و میزان وابستگی هر یک از موانع انجام شد، منجر به توزیع عوامل در چهار ناحیه مجزا گردید. این توزیع، یافته‌های ساختاری مدل ISM را تأیید و بر آن تأکید می‌کند. بر این اساس، مانع «عدم تعامل مثبت سیاستگذاران و ذینفعان» به تنهایی در ناحیه چهارم که مختص متغیرهای مستقل و پایه‌ای است، قرار گرفت. موقعیت این مانع با دارا بودن قدرت نفوذ بسیار بالا و وابستگی بسیار پایین، نقش زیربنایی و جهت‌دهنده آن در کل سیستم موانع را به وضوح نشان می‌دهد و آن را به یک اهرم کلیدی برای ایجاد تحول در سیستم تبدیل می‌کند.

در مقابل، موانع «عدم توجه به تجارب گذشته»، «تصمیم‌گیری شهودی» و «عدم مشارکت سیاست خارجی» در ناحیه سوم یا ناحیه متغیرهای ارتباطی جای گرفتند. این موانع از پویایی و ناپایداری بالایی برخوردارند، چرا که هم بر دیگر عوامل تأثیر می‌گذارند و هم از آنها تأثیر می‌پذیرند. این ویژگی باعث شکل‌گیری چرخه‌های معیوب تقویت‌کننده در درون سیستم می‌شود؛ برای نمونه، تصمیم‌گیری شهودی به بی‌توجهی به تجارب گذشته دامن می‌زند و این بی‌توجهی مجدداً فضای تصمیم‌گیری را غیرعلمی‌تر می‌سازد.

در نهایت، موانع «عدم اجماع در چشم‌انداز و اهداف» و «مشخص نبودن نهاد متولی بالادستی» در ناحیه دوم، یعنی ناحیه متغیرهای وابسته، واقع شدند. این موانع دارای وابستگی بسیار بالا و قدرت تأثیرگذاری پایینی هستند، که مؤید این است که آنها بیشتر به عنوان خروجی‌ها یا نتایج نهایی سیستم عمل می‌کنند تا علل ریشه‌ای. قدرت اندک آنها برای تأثیرگذاری بر دیگر بخش‌های سیستم و تأثیرپذیری

شدیدشان از عوامل دیگر، گویای این واقعیت است که راه حل رفع این موانع، نه در خود آنها، بلکه در مداخله و درمان موانع پایه‌ای و ارتباطی واقع در نواحی دیگر نهفته است. این تحلیل، همسو با مدل سلسله‌مراتبی ISM، بر ضرورت توجه سیاستی به ریشه‌های سیستم به جای پرداختن صرف به تظاهرات سطحی آن صحنه می‌گذارد.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نظام‌مند موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی ایران و تبیین روابط سلسله‌مراتبی و علی بین آنها انجام شد. یافته‌های تحقیق که با بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی (تحلیل مضمون و مدلسازی ساختاری تفسیری) و نظرات خبرگان حوزه سیاست صنعتی به دست آمد، نشان داد که شش مانع اصلی، اجرای موفق این اسناد را با چالش مواجه کرده است. در این میان، مانع «عدم تعامل مثبت سیاستگذاران و ذینفعان» به عنوان اساسی‌ترین و تأثیرگذارترین عامل در پایه‌ای‌ترین سطح مدل ISM و در ناحیه متغیرهای مستقل نمودار MICMAC قرار گرفت. در مقابل، موانعی مانند «عدم اجماع در چشم‌انداز» و «مشخص نبودن نهاد متولی بالادستی» در جایگاه متغیرهای وابسته ظاهر شدند که بیشتر به عنوان علائم یک سیستم ناکارآمد عمل می‌کنند.

این پژوهش از چند منظر به گسترش مرزهای دانش در حوزه سیاست صنعتی ایران می‌پردازد. از نظر روش‌شناختی، با تلفیق تحلیل مضمون و مدلسازی ساختاری تفسیری، چارچوبی نظام‌مند برای مواجهه با پیچیدگی مسئله ارائه داده است که نه تنها «چه» موانعی وجود دارد، بلکه «چگونگی» و «چرایی» ارتباط سیستماتیک آنها را آشکار می‌سازد. از منظر نظری، مهم‌ترین دانش‌افزایی این تحقیق، گذار از نگاه «لیست‌محور» به ارائه یک «نقشه نظام‌مند» و سلسله‌مراتبی از موانع است. یافته کلیدی تحقیق، شناسایی «عدم تعامل مثبت» به عنوان متغیر پایه‌ای، پارادایم رایج را که مشکل را در «محتوای اسناد» جستجو می‌کند به چالش کشیده و «ضعف حکمرانی و بستر نهادی» را به عنوان مسئله مرکزی برجسته می‌سازد. در عرصه سیاست‌گذاری، خروجی پژوهش یک راهنمای عمل اولویت‌بندی‌شده است که نشان می‌دهد حل موانع سطحی بدون مداخله در موانع پایه‌ای محکوم به شکست است.

مقایسه یافته‌ها با پیشینه پژوهش، همپوشانی در شناسایی چالش‌ها را نشان می‌دهد که بر اعتبار درونی مطالعه حاضر می‌افزاید. با این حال، تمایز بنیادین این پژوهش، خروج از توصیف صرف و ارائه یک مدل علی-سلسله‌مراتبی است که برای مثال نشان می‌دهد «عدم اجماع» و «نهاد متولی نامشخص» در واقع علائم یک بیماری ریشه‌ای‌تر به نام «عدم تعامل مثبت» هستند. مهم‌ترین دلالت نظری این پژوهش، تأیید برتری چارچوب‌های تحلیل سیستم‌های پیچیده در مواجهه با مسائل حکمرانی است. این تحقیق نشان می‌دهد که چرا رویکردهای خطی و جزءنگر در تحلیل سیاست‌گذاری صنعتی ایران ناکام مانده‌اند و مداخله در نقاط غیرحساس سیستم تنها به جابجایی مشکل می‌انجامد.

بر این مبنا، دلالت‌های سیاستی مشخص و اولویت‌دار زیر قابل استخراج است: نخست، تغییر کانون توجه از «سند» به «فرآیند» و بی‌اثر بودن تدوین اسناد جدید بدون اصلاح بستر تعاملی. دوم، ارائه یک نقشه مداخله مرحله‌ای که درمان «بیماری پایه‌ای» (عدم تعامل) را به عنوان اولین اولویت قرار می‌دهد. سوم، بازتعریف نقش نهاد متولی از یک «مجری» صرف به یک «تسهیل‌گر» و «هماهنگ‌کننده» که مدیریت تعارضات و تسهیل گفت‌وگو را عهده‌دار باشد.

پیشنهادات راهبردی این پژوهش مستقیماً از یافته‌های آن استنتاج می‌شوند. ایجاد سازوکارهای نهادی دائمی برای تعامل مثبت، مانند تشکیل «شورای عالی توسعه صنعتی» با ترکیبی سه‌جانبه و اختیارات کافی، به عنوان مداخله‌ای ریشه‌ای در اولویت نخست قرار دارد. تعیین یک نهاد فرابخشی مقتدر با نقش رهبری و هماهنگی اجراء و نیز استقرار یک سامانه شفاف پایش، ارزیابی و یادگیری سازمانی، دیگر پیشنهادات کلیدی هستند. الگوی ارائه‌شده به وضوح نشان می‌دهد که بدون مداخله در نقطه اهرمی سیستم (عدم تعامل مثبت)، سایر اقدامات سیاستی تأثیری ماندگار نخواهند داشت. بنابراین، اولویت مطلق سیاست‌گذار باید معطوف به «نهادسازی» برای بهبود تعامل و حکمرانی باشد. سرمایه‌گذاری بر این اصل، نه تنها زمینه را برای حل موانع دیگر فراهم می‌کند، بلکه احتمال موفقیت در غلبه بر چالش‌های گسترده‌تری مانند جلب اراده اجرایی و تخصیص بهینه منابع را به طور تصاعدی افزایش خواهد داد. در نهایت، این پژوهش مؤید آن است که مسئله اصلی، محتوای اسناد نیست، بلکه زمینه نهادی و کیفیت حکمرانی حاکم بر فرآیند تدوین و اجرای آنهاست. موفقیت در توسعه صنعتی نیازمند اصلاح این بستر نهادی و اولویت دادن به مشارکت، اعتماد و تعامل سازنده است. تدوین هر سند جدید توسعه صنعتی، بدون در نظرگیری این پیش‌نیازهای حکمرانی، محکوم به تکرار چرخه شکست‌های گذشته خواهد بود.

#### ۵-۱) تبیین یافته‌ها و جایگاه آن در پیشینه

یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و مدل‌سازی ساختاری تفسیری به دست آمده، شش مانع اصلی را در مسیر اجرایی‌سازی اسناد توسعه صنعتی ایران شناسایی و روابط سلسله‌مراتبی میان آنها را تبیین نموده است. وجه تمایز این پژوهش نسبت به مطالعات پیشین، صرفاً تأیید وجود این موانع نیست، بلکه ارائه یک نقشه سیستماتیک از روابط علی میان آنهاست که امکان اولویت‌بندی مداخلات سیاستی را فراهم می‌آورد. در حالی که پژوهش‌هایی مانند مطالعه کمالی و همکاران (۱۴۰۱) و گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۰) با رویکردی توصیفی-فهرستی، طیف گسترده‌ای از چالش‌ها را شناسایی کرده‌اند، این مطالعات تحلیل روشنی از روابط علی میان موانع ارائه نداده و همه چالش‌ها را در یک سطح در نظر گرفته‌اند. در مقابل، یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که موانع در سطوح مختلفی از اهمیت و تأثیرگذاری قرار دارند و «عدم تعامل مثبت سیاست‌گذاران و ذینفعان» به عنوان ریشه‌ای‌ترین مانع، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری سایر چالش‌ها ایفا می‌کند.

پژوهش فرتاش (۱۴۰۰) به اهمیت نهادی فراتر از وزارتخانه‌ها برای هماهنگی سیاست‌ها اشاره کرده است، اما یافته پژوهش حاضر این دیدگاه را تکمیل کرده و نشان می‌دهد که پیش از ایجاد چنین نهادی، لازم است بستر تعاملی مناسبی میان ذینفعان فراهم شود؛ در غیر این صورت، نهاد مذکور نیز به سرنوشت سایر ساختارهای موازی دچار خواهد شد. از این منظر، ضعف نهادی ریشه در فرآیند و تعاملات دارد، نه صرفاً در ساختار. مطالعاتی مانند رادمنش و نائینی (۲۰۲۳) در صنعت دارو و خلیلی‌نصر و همکاران (۲۰۲۰) در حوزه انرژی، به طور خاص بر مشارکت ذینفعان تأکید داشته‌اند، اما پژوهش حاضر ضمن تأیید اهمیت

این موضوع، نشان می‌دهد که این مشارکت باید در بالاترین سطح و در قالب سازوکارهای نهادی دائمی تعریف شود، نه به صورت تشریفاتی و مقطعی. یافته‌ها مؤید آن است که «عدم مشارکت ذینفعان» خود معلول «عدم تعامل مثبت» است و تا زمانی که تعامل سازنده و مبتنی بر اعتماد شکل نگیرد، مشارکت‌ها نیز سطحی و بی‌اثر خواهند بود.

پژوهش مجیدپور و نامداریان (۱۳۹۴) نیز بر موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری تمرکز داشته و به عواملی مانند ناهماهنگی بین‌دستگاهی و ضعف در مشارکت اشاره کرده است. یافته‌های پژوهش حاضر با ارائه یک مدل سلسله‌مراتبی، نشان می‌دهد که این ناهماهنگی‌ها و ضعف‌های مشارکتی، ریشه در فقدان یک بستر نهادی برای تعامل پایدار و سازنده میان بازیگران اصلی عرصه صنعت دارد. بنابراین می‌توان تمایز اصلی این پژوهش را در سه نکته خلاصه کرد: گذار از نگاه لیست‌محور به نگاه سیستماتیک و ارائه مدل علی-سلسله‌مراتبی از موانع؛ شناسایی «عدم تعامل مثبت» به عنوان نقطه اهرمی و ریشه‌ای سیستم، در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً این متغیر را در کنار سایر متغیرها و در یک سطح در نظر گرفته بودند؛ و نشان دادن این واقعیت که موانعی مانند «عدم اجماع در چشم‌انداز» و «مشخص نبودن نهاد متولی» در واقع علائم و نتایج نهایی یک سیستم بیمار هستند، نه علل اصلی. دلالت نظری این یافته، تأکید بر برتری چارچوب‌های تحلیل سیستم‌های پیچیده در مواجهه با مسائل حکمرانی و سیاست‌گذاری صنعتی است.

## ۲-۵) پیشنهادات

پژوهش حاضر با هدف تحلیل نظام‌مند موانع اجرایی اسناد توسعه صنعتی ایران و تبیین روابط سلسله‌مراتبی و علی بین آنها انجام شد. یافته‌های تحقیق که با بهره‌گیری از روش‌شناسی ترکیبی و نظرات خبرگان حوزه سیاست صنعتی به دست آمد، شش مانع اصلی را شناسایی و روابط میان آنها را تبیین نمود. بر اساس مدل نهایی، مانع «عدم تعامل مثبت سیاست‌گذاران و ذینفعان» به عنوان تأثیرگذارترین و زیربنایی‌ترین عامل در پایه‌ای‌ترین سطح مدل و در ناحیه متغیرهای مستقل قرار گرفت، در حالی که موانعی مانند «عدم اجماع در چشم‌انداز» و «مشخص نبودن نهاد متولی بالادستی» در جایگاه متغیرهای وابسته ظاهر شدند که بیشتر به عنوان علائم یک سیستم ناکارآمد عمل می‌کنند. نتیجه‌گیری کلی حاکی از آن است که مسئله اصلی، محتوای اسناد نیست، بلکه حکمرانی و بستر نهادی حاکم بر فرآیند تدوین و اجرای آنهاست و حل سایر موانع بدون توجه و رفع این مانع کلیدی و ریشه‌ای، دشوار یا غیرممکن خواهد بود.

بر این مبنا، نخستین و مهم‌ترین پیشنهاد سیاستی، ایجاد سازوکارهای نهادی دائمی برای تعامل مثبت از طریق تشکیل «شورای عالی توسعه صنعتی» با ترکیبی سه‌جانبه از دولت، بخش خصوصی و دانشگاه و با اختیارات کافی برای تصمیم‌گیری و نظارت است. در گام بعد، ضرورت دارد مسئولیت تدوین و هماهنگی اجرای اسناد توسعه صنعتی به نهادی با جایگاه فرابخشی مانند سازمان برنامه و بودجه واگذار شود تا از موازی‌کاری و تشتت سازمانی جلوگیری گردد. همچنین طراحی و استقرار یک سامانه شفاف برای پایش مستمر پیشرفت اسناد، با شاخص‌های مشخص و مکانیزم‌های پاسخگویی، به همراه ایجاد بانک تجربیات

برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته، از دیگر الزامات است. در نهایت، تدوین آیین‌نامه‌ای الزام‌آور برای مشارکت واقعی بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در تمام مراحل تدوین، اجرا و ارزیابی اسناد، با دسترسی کامل به مطالعات پشتیبان، می‌تواند زمینه‌ساز تحول در فرآیند سیاست‌گذاری صنعتی کشور باشد. این پژوهش مؤید آن است که تدوین هر سند جدید توسعه صنعتی، بدون اصلاح بستر نهادی و اولویت دادن به تعامل، مشارکت و اعتمادسازی، محکوم به تکرار چرخه شکست‌های گذشته خواهد بود و پژوهش‌های آتی می‌توانند با رویکردی پویاشناسی سیستم، به شبیه‌سازی اثرات مداخلات مختلف سیاستی بر این نظام پیچیده موانع پردازند.

## **سیاسگزاری**

در پایان بدینوسیله از دفتر مطالعات صنعت دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام که ما را در انجام این تحقیق و دسترسی به خبرگان این حوزه یاری کرد، صمیمانه تشکر می‌کنیم.

## منابع

- بوشهری، ع.، رمضان، م.، و محمودزاده، د. (۱۴۰۴). نقش کانون‌های تفکر در سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری در ایران: مطالعه موردی چندگانه. بهبود مدیریت، ۱۹(۱)، 1-19. doi: 10.22034/jmi.2025.530227.3214 e230870
- جمال‌زاده، م. (۱۳۸۵). ارزیابی استراتژی توسعه صنعتی در قالب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (با تأکید بر دستیابی به فناوری پیشرفته). پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۷(۴)، 97-120.
- حسینی، ق. و کلانتری، ف.السادات. (۲۰۲۳). طراحی مدل ساختاری اقدامات مدیریت زنجیره تأمین سبز با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری فازی (مطالعه موردی: صنایع کاشی یزد). مطالعات مهندسی صنایع و مدیریت تولید، ۸(۲۳)، ۱-۸.
- حیرانی، ح.، اکبری، م.، و همایون، م.ب. (۱۴۰۴). پیشنهاد سیاست‌های کلی انرژی در حوزه صنعت و فناوری. بهبود مدیریت، ۱۹(۲)، 1-2. doi: 10.22034/jmi.2025.537444.3223 e234287
- شریف‌زادگان، م.ح. و نورایی، ه. (۱۳۹۴). بررسی تحولات صنعت و توسعه صنعتی در ایران به‌منظور آسیب‌شناسی توسعه صنعتی ایران. تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران، 1(1)، 4-37.
- شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۹۰). دانشگاه کارآفرین و توسعه صنعتی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (فرهنگ مشاوره)، ۲(۵)، ۱۳۷-۱۴۷.
- شهرکی، ع. (۱۳۹۳). ارزیابی وضعیت توسعه صنعتی استان‌های کشور. مطالعات مدیریت راهبردی، ۵(۱۷)، ۱۹-۳۸.
- طلایی، ح.ر.، عالم‌تبریز، ا. و فارس‌جانی، ح. (۲۰۱۷). تحلیل توانمندسازهای سیستم تولید انعطاف‌پذیر با رویکردهای مدل‌سازی ساختاری تفسیری و فرایند رتبه‌بندی تفسیری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
- عالم‌تبریز، ا.، فارس‌جانی، ح.، فرزند، ف. و میرقادری، س.ه. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی دیدگاه‌های عاملین توسعه خوشه‌های صنعتی با محوریت عوامل مؤثر بر عملکرد. چشم‌انداز مدیریت صنعتی، ۳(۲)، ۳۵-۵۵.
- فارس‌جانی، ح. و فلاح‌حسینی، ع. (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر دستیابی مدیریت زنجیره تأمین به کلاس جهانی و ارائه راهکارهای مناسب. چشم‌انداز مدیریت صنعتی، ۲(۲)، ۲۵-۴۴.
- فرتاش، ک. (۱۴۰۰). تحلیلی تاریخی بر اسناد سیاست توسعه صنعتی در ایران و ارائه الزامات سیاستی در سال‌های پیش‌رو. بهبود مدیریت، ۱۵(۳)، ۱۲۱-۱۴۴.
- فرتوک‌زاده، ح. و طهماسبی، س. (۱۳۹۹). حلقه مفقوده سیاست‌گذاری صنعتی در صنعت خودروسازی ایران: تاملی دوباره در خصوص مشکلات خودروسازی. بهبود مدیریت، 14(3)، 14-16. doi: 10.22034/jmi.2020.119658149-164
- کارگروه ساماندهی اسناد راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۴۰۲). شیوه‌نامه تدوین سند راهبردی دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری. تهران: وزارت علوم.
- کمالی، ی.، شیخ‌زاده جوشانی، ص. و کریمی‌زاده، م. (۱۴۰۱). شناسایی و دسته‌بندی آسیب‌های سیاست‌گذاری توسعه صنعتی در ایران (۱۳۹۷-۱۳۷۰). فرایند مدیریت و توسعه، ۳۵(۱)، ۱۱۷-۱۴۶.
- گروه مهندسی خرد. (۱۴۰۲). داستان توسعه در ایران (دفتر دوم). تهران: انتشارات گروه مهندسی خرد.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۸). قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۳). قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۹). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹). قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴). تهران: مجلس شورای اسلامی.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶). قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰). تهران: مجلس شورای اسلامی.

مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). قانون برنامه پنج ساله هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۷). تهران: مجلس شورای اسلامی.

مجیدپور، م. و نامداریان، ل. (۱۳۹۴). شناسایی موانع اجرای اسناد سیاست علم و فناوری کشور. مدیریت نوآوری، ۴(۴)، ۳۱-۶۰.

مراذپور، ذ.، مدهوشی، م.، صفائی قادیکلایی، ع.، و یحیی‌زاده‌فر، م. (2022). مدل‌سازی تفسیری ساختاری الگوی فکری کارآفرینان موفق صنعت ایران. فصلنامه مدیریت صنعتی، ۳۵(۴)، ۱۲۳-۱۴۳.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران. (۱۴۰۳). گزارش اعلام نظر اتاق ایران در خصوص سند نقشه راهبردی صنعتی و ارتقا تولید داخل. تهران: مرکز پژوهش‌های اتاق ایران.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی توسعه صنعتی در ایران (۱). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی توسعه صنعتی در ایران (۲). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی توسعه صنعتی در ایران (۳). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

مظلومی، م.، بیگی، م.ن.، و آقامیری، ح. (۲۰۱۹). تحلیل ریسک‌های راهبردی مالی در صنعت پتروشیمی با استفاده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM). پژوهش‌های مدیریت مالی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۷.

محمدی ایوانکی، م.، و ابراهیمی، ع. (۱۴۰۲). کتاب سیاست صنعتی و مسئله ایجاد شغل خوب. تهران: انتشارات لوح فکر. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۴۰۱). شیوه‌نامه تدوین سند راهبردی دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری. تهران: وزارت علوم.

Alam Tabriz, A., Farsijani, H., Farazd, F., & Mirghaderi, S.H. (2013). Typology of Industrial Cluster Development Agents' Views with Emphasis on Factors Affecting Performance. *Industrial Management Perspective*, 3(2), 35-55. [In Persian]

Bushehri, A., Ramezan, M., & Mahmoudzadeh, D. (2025). The Role of Think Tanks in Science, Technology and Innovation Policy-Making in Iran: A Multiple Case Study. *Journal of Improvement Management*, 19(1), e230870. doi: 10.22034/jmi.2025.530227.3214 [In Persian]

Curzon Price, V. (1981). *Industrial Policies in the European Community*. London: Macmillan.

Farsijani, H., & Fallah Hosseini, A. (2012). Identifying and Prioritizing Factors Affecting Supply Chain Management Achieving World-Class and Providing Appropriate Solutions. *Industrial Management Perspective*, 2(2), 25-44. [In Persian]

Fartash, K. (2021). A Historical Analysis of Industrial Development Policy Documents in Iran and Presenting Policy Requirements for the Coming Years. *Journal of Improvement Management*, 15(3), 121-144. [In Persian]

- Fartookzadeh, H., & Tahmasebi, S. (2020). The Missing Link of Industrial Policy in Iran's Automotive Industry: Rethinking the Problems of the Automotive Industry. *Journal of Improvement Management*, 14(3), 149-164. doi: 10.22034/jmi.2020.119658 [In Persian]
- Geroski, P.A. (1989). European Industrial Policy and Industrial Policy in Europe. *Oxford Review of Economic Policy*, 5(4), 20-36.
- Heyrani, H., Akbari, M., & Homayoun, M.B. (2025). Proposing General Energy Policies in the Field of Industry and Technology. *Journal of Improvement Management*, 19(2), e234287. doi: 10.22034/jmi.2025.537444.3223 [In Persian]
- Hosseini, G., & Kalantari, F.S. (2023). Designing a Structural Model of Green Supply Chain Management Practices Using Fuzzy Interpretive Structural Modeling (Case Study: Yazd Tile Industry). *Journal of Industrial Engineering and Production Management*, 8(23), 1-8. [In Persian]
- Iran Chamber of Commerce Research Center. (2024). *Report on the Opinion of Iran Chamber Regarding the Strategic Industrial Roadmap Document and Enhancing Domestic Production*. Tehran: Iran Chamber of Commerce Research Center. [In Persian]
- Islamic Consultative Assembly. (1989). *First Economic, Social, and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Islamic Consultative Assembly. (1994). *Second Five-Year Economic, Social, and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Islamic Consultative Assembly. (2000). *Third Five-Year Economic, Social, and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Islamic Consultative Assembly. (2004). *Fourth Five-Year Economic, Social, and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Islamic Consultative Assembly. (2010). \*Fifth Five-Year Economic, Social, and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran (2011-2015)\*. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Islamic Consultative Assembly. (2017). \*Sixth Five-Year Economic, Social, and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran (2017-2021)\*. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Islamic Consultative Assembly. (2023). \*Seventh Five-Year Economic, Social, and Cultural Development Plan Law of the Islamic Republic of Iran (2024-2028)\*. Tehran: Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Jamalzadeh, M. (2006). Evaluation of Industrial Development Strategy in the Framework of the 20-Year Vision Document (with Emphasis on Achieving Advanced Technology). *Islamic Law Research Journal*, 7(4), 97-120. [In Persian]
- Johnson, Ch. (1984). The Idea of Industrial Policy. In Ch. Johnson (Ed.), *The Industrial Policy Debate* (pp. 3-26). San Francisco: Institute for Contemporary Studies.
- Kamali, Y., Sheikhzadeh Joshani, S., & Karimizadeh, M. (2022). Identification and Categorization of Industrial Development Policy-Making Damages in Iran (1991-2018). *Journal of Management and Development Process*, 35(1), 117-146. [In Persian]
- Khalili Nasr, A., Kafizadeh Kashan, M., Maleki, A., Jafari, N., & Hashemi, H. (2020). Assessment of barriers to renewable energy development using stakeholders approach. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 120, 109-125.
- Kherad Engineering Group. (2023). *The Story of Development in Iran (Book 2)*. Tehran: Kherad Engineering Group Publications. [In Persian]
- Majidpour, M., & Namdarian, L. (2015). Identifying Barriers to Implementing Science and Technology Policy Documents in Iran. *Innovation Management*, 4(4), 31-60. [In Persian]
- Mazloomi, M., Beigi, M.N., & Aghamiri, H. (2019). Analysis of Strategic Financial Risks in the Petrochemical Industry Using Interpretive Structural Modeling (ISM). *Financial Management Research*, 12(3), 45-67. [In Persian]
- Ministry of Science, Research and Technology. (2022). *Guidelines for Developing Strategic Plans for Universities, Research Institutes, and Science and Technology Parks*. Tehran: Ministry of Science. [In Persian]
- Mohammadi Ivanki, M., & Ebrahimi, A. (2023). *Industrial Policy and the Issue of Creating Good Jobs*. Tehran: Louh-e Fekr Publications. [In Persian]

- Moradpour, Z., Modhoushi, M., Safaei Ghadikolaei, A., & Yahyazadehfar, M. (2022). Interpretive Structural Modeling of the Intellectual Pattern of Successful Entrepreneurs in Iran's Industry. *Industrial Management Quarterly*, 35(4), 123-143. [In Persian]
- Parliamentary Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2020). *Pathology of Industrial Development in Iran (1)*. Tehran: Parliamentary Research Center. [In Persian]
- Parliamentary Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2020). *Pathology of Industrial Development in Iran (2)*. Tehran: Parliamentary Research Center. [In Persian]
- Parliamentary Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2020). *Pathology of Industrial Development in Iran (3)*. Tehran: Parliamentary Research Center. [In Persian]
- Radmanesh, S., & Naeini, M. S. (2023). Investigating and ranking of barriers affecting development of pharmaceutical industry exports in Iran: AHP method. *Iranian Journal of Pharmaceutical Research*, 22(1), 1-12.
- Shafiabadi, A. (2011). Entrepreneurial University and Industrial Development. *Culture of Counseling and Psychotherapy*, 2(5), 137-147. [In Persian]
- Shahraki, A. (2014). Assessing the Industrial Development Status of Iranian Provinces. *Strategic Management Studies*, 5(17), 19-38. [In Persian]
- Sharifzadegan, M.H., & Nouraei, H. (2015). A Study of Industry Developments and Industrial Development in Iran for the Pathology of Iran's Industrial Development. *Economic History Research*, 4(1), 37-60. [In Persian]
- Talaei, H.R., Alam Tabriz, A., & Farsijani, H. (2017). *Analysis of Flexible Manufacturing System Enablers Using Interpretive Structural Modeling and Interpretive Ranking Process*. Master's thesis, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. [In Persian]
- Task Force for Organizing Strategic Documents of the Ministry of Science, Research and Technology. (2023). *Guidelines for Developing Strategic Plans for Universities, Research Institutes, and Science and Technology Parks*. [In Persian]